

کرونا نان ما را آجر کرد

یک سال از حضور ویروس منحوس کرونا در کشور می گذرد و مصیبت های ناشی از انتشار این مهمان ناخوانده بیشتر و بیشتر دامن جامعه را می گیرد. از افزایش روزافزون مرگ و میرهای ناشی از آن گرفته تا تعطیلی کسب و کارهای اقتصادی. در میان تمام اقشار جامعه که به نوعی گرفتار این بیماری شده اند، زنان سرپرست خانوار که تأمین هزینه های زندگی را عهده دار بوده اند...

یکشنبه

۱۰ اسفند ۱۳۹۹

سال شانزدهم / شماره ۷۹۳

۱۶ صفحه



از دحام در مشهورترین خیابان فروش لباس
کودک در بحبوحه کرونا

هراسان به استقبال بهار

صفحه ۵



نقاش خیابان گرگان می خواهد
آرامش را به روی دیوارهای شهر بیاورد

حال تهران را با نقاشی عوض کنیم

تهران می تواند از آنچه هست، بسیار زیباتر باشد. شهر خاکستری
بدچهره می تواند و باید رنگی و دلپذیر شود.

صفحه ۱۱



خاطره بازی با قدیمی ترین کاسب
خیابان آذربایجان که هنوز هم به اهالی افساطی لباس می فروشد

فروش مانتو با کپی شناسنامه!

«رضا وفایی دیزجی» صاحب لباس فروشی قدیمی خیابان
آذربایجان است.

صفحه ۱۴



۱۸۱۹
جهت کسب اطلاعات بیشتر و سفارش آگهی
با نزدیکترین دفتر قبول آگهی تماس بگیرید
شرح در صفحه ۳

با تبلیغات در **هلمشهری**
درست به هدف بزنید

[آ] تیتراژ

آغاز مرمت خانه تاریخی متین دفتری



مرمت خانه تاریخی «متین دفتری» با قدمت بیش از یکصد سال که پیش از این حکم دیوان عدالت اداری مبنی بر تخریب ملک برای آن صادر شده بود با پیگیری‌های شهردار منطقه ۱۱ تهران و همکاری مالک آغاز شد. «اشکان بیات» رئیس اداره زیباسازی منطقه ۱۱، با تشریح پیگیری‌های انجام شده از سوی معاونت شهرسازی و معماری این منطقه برای حفظ این بنای ارزشمند تاریخی افزود: «خانه یادشده که در مجموعه خانه‌باغ

«عبدالحسین میرزا فرمانفرما» در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن کنونی ساخته شد، متعلق به داماد دکتر «محمد مصدق» بوده و به لحاظ معماری و قدمت واجد ارزش است. پیش از این مالک حکم تخریب این بنا را از دیوان عدالت اداری دریافت کرده بود و به مرور زمان نیز ساختمان دچار آسیب‌های زیادی شده بود.» او با بیان اینکه حفاظت از ابنیه ارزشمند تاریخی برای مدیریت

شهری حائز اهمیت است، در خصوص اقدامات انجام شده برای حفاظت از خانه متین دفتری ادامه داد: «به‌رغم اینکه مالک رأی دیوان را در سال ۱۳۹۸ برای تخریب ملک دریافت کرده بود، با کمک‌های شایانی که از سوی معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران انجام شد و نیز طی جلسات متعدد با مالک برای تغییر نظر ایشان توانستیم او را برای حفظ و مرمت ملک متناسب با نیاز ذی‌نفعان مجاب کنیم» رئیس اداره زیباسازی منطقه ۱۱ با اشاره به

اینکه تاکنون ۱۵ خانه واجد ارزش تاریخی با تسهیلگری شهرداری منطقه ۱۱ و مشارکت بخش خصوصی حفظ و مرمت شده است بیان کرد: «پیش از این، چندین خانه تاریخی از جمله خانه فاموری، خانه زی، خانه عطایی، بوتیک هتل حنا، کافه کتاب دارالخلافة، بوتیک هتل تاج، کافه رستوران میعاد، کافه گالری ری‌و... به همین ترتیب حفظ و دارای کاربری شده‌اند.



یادداشت

سرور اقبالی

کارشناس حوزه زنان

تهدید سلامت روان زنان در همه‌گیری کرونا

کرونا لطمه بزرگی به جامعه زنان زد؛ از عوارض روحی و روانی گرفته تا ابتلا به بیماری‌های ناشی از کم‌تحرکی، به خطر افتادن امنیت شغلی و به تبع آن موقعیت‌های اجتماعی آنها. مجازی شدن آموزش و فعالیت مدارس، دورکاری و حضور همه افراد خانواده در خانه باعث شده تا زنان در طول یک سال گذشته با فشار مضاعف انجام وظایف خانه در کنار مسئولیت‌های اجتماعی روبه‌رو باشند. این مسئله در کنار استرس و نگرانی ناشی از احتمال ابتلای اعضای خانواده به ویروس کرونا، سلامتی روحی و روانی آنها را تهدید می‌کند. اگرچه مطالعات علمی حکایت از آن دارد که کرونا به‌طور مستقیم بیشتر سلامتی و حیات مردان را تحت تأثیر قرار داده است، اما در درازمدت این همه‌گیری بر سلامت جسم و روان زنان تأثیر می‌گذارد و این مهم، علاوه بر سلامت فردی، سلامت اجتماعی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کار در خانه، مدرسه در خانه و خانه‌نشینی‌های اجباری این روزها همه و همه مصداق‌هایی از افزایش بار وظایف زنان در دوره کروناست. شرایطی که کیفیت انجام مسئولیت‌های شغلی آنها را تحت‌الشعاع قرار داده است. عده‌ای از زنان به دلیل همین وضعیت شغل خود را در این مدت از دست داده‌اند، عده دیگر هم به دلیل تعطیل شدن فضای کسب و کار چاره‌ای جز خانه‌نشینی ندارند و این شرایط به شدت فشارهای روحی و روانی آنها را زیاد کرده است. از سوی دیگر، در بخش بهداشت و درمان ۷۰ درصد نیروها را زنان تشکیل می‌دهند. کرونا و پاندمی آن باعث شد تا جمعیت بیشتری از زنان در این بخش‌ها گرفتار آن شوند.

کم‌تحرکی، کاهش فعالیت‌های ورزشی و تغییر سبک زندگی چالش دیگری است که این روزها زنان گرفتار آن شده‌اند؛ موضوعی که تداومش به‌شدت ضریب سلامت زنان را کاهش خواهد داد و به خطر افتادن سلامت زنان، سلامت اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با توجه به تداوم همه‌گیری کرونا، لازم است با برنامه‌ریزی در حوزه زنان به مقابله با آسیب‌های ناشی از کرونا به این قشر بپردازیم. فعال شدن دوره‌های آموزش سلامت روان در فضای مجازی توسط فرهنگسراها، مراکز محلی و بهداشت محلی می‌تواند به بانوان در گذر از این برهه دشوار کمک کند.

خیابان شهید نوری نونوار می‌شود



رئیس اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ۷ از اجرای عملیات شست‌وشو و نظافت محوری در خیابان شهید علی اصغر نوری خبر داد. «رامین عدالتخواه» گفت: «نواحی پنج‌گانه، با تقسیم‌بندی خیابان شهید نوری، عملیات پاکسازی جوی‌های آب روباز و روبسته، شست‌وشوی المان‌های شهری، حذف زوائد فیزیکی، طعمه‌گذاری برای جانوران مضر شهری، جمع‌آوری زباله‌های خشک و تر، شست‌وشوی جدول‌ها و مخازن، حذف پاجوش و تنه‌جوش درختان، شست‌وشو و پاکسازی دیوارنوشته‌ها و نقش‌برجسته‌های ترافیکی و المان‌های دیواری، پاکسازی کانال‌ها و حوضچه‌ها، علف‌کشی و کندوکوب باغچه‌ها و نظافت معابر و فضای سبز را در این محور اجرا کردند.»

کاشت درختان چندساله و فرش گل در خیابان آزادی

عملیات کاشت درختان چندساله چنار به روش روت‌بال (جابه‌جا کردن درخت با محافظت از ریشه توبی آن) در خیابان آزادی در قالب مراسم استقبال از نوروز انجام شد. معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۱۰ با بیان این مطلب افزود: «منطقه ۱۰، به دلیل بافت فشرده و مسکونی‌اش، در فقر فضای سبز به سر می‌برد و اجرای طرح درختکاری باعث زیبایی و افزایش سبزیگی در این محدوده می‌شود. با توجه به نیازسنجی‌های انجام‌شده برای مناسب‌سازی و حفظ چشم‌انداز بصری شهری، عملیات کاشت درختان چنار به شیوه روت‌بال در محور شمال خیابان آزادی، حدفاصل پل یادگار امام (ره) تا خیابان شهیدان، انجام شد.» به گفته «رضا شرفی»، در ادامه این طرح عملیات کاشت درختان در ضلع جنوب خیابان آزادی، از مقابل سازمان میراث فرهنگی تا تقاطع بزرگراه یادگار امام (ره)، در دستور کار قرار گرفته است. همچنین عملیات کاشت فرش گل در بوستان عارف قزوینی انجام شد.

راه‌اندازی مرکز «گلمانده» در محله بریانک



نخستین مرکز «گلمانده» در محله بریانک برای حفظ محیط‌زیست و آشنایی شهروندان با مقوله تفکیک زباله از مبدأ راه‌اندازی می‌شود. رئیس اداره پسماند منطقه ۱۰ با اعلام این خبر افزود: «شهروندان روزانه در تهران ۸ تا ۹ هزار تن پسماند تولید می‌کنند و جمع‌آوری، انتقال و دفن این حجم از زباله برای مجموعه مدیریت شهری هزینه سنگینی دارد. بر این اساس، اجرای طرح کاپ در محله‌های تهران با هدف کاهش تولید پسماند نقش مؤثری دارد.» به گفته «محمد فلاح‌نژاد»، میانگین پسماند خشک و تر در منطقه روزانه ۱۷۰ تن است. او در ادامه توضیح داد: «روزانه به‌طور میانگین ۱۷ تن پسماند خشک در منطقه داریم که ۲/۵ تن آن در غرفه‌های بازیافت از شهروندان خریداری می‌شود. همچنین اجرای طرح‌های ویژه محیط‌زیستی در افزایش مشارکت شهروندان مؤثر است. یکی از این طرح‌ها راه‌اندازی مراکز گلمانده و اخذ پسماندهای خشک شهروندان در ازای گل و گیاه است.» فلاح‌نژاد با اشاره به نقش گل و گیاه در ایجاد آرامش روانی میان شهروندان افزود: «گل و گیاه همواره موجب شادابی است و بودن آن در خانه‌ها روحیه اعضای خانواده را تغییر می‌دهد. بر همین اساس، مرکز گلمانده راه‌اندازی شد تا با مشارکت شهروندان گام‌های مؤثری در تفکیک پسماند از مبدأ برداشته شود.» رئیس اداره پسماند منطقه ۱۰ در ادامه از راه‌اندازی مرکز گلمانده در سایر نواحی منطقه نیز خبر داد و گفت: «تا بهار ۲۰۱۴۰۰، مرکز در نواحی ۲ و ۳ و همچنین گلمانده سیار برای مجتمع‌های مسکونی و تجاری منطقه نیز راه‌اندازی می‌شود تا شهروندان دیگر نواحی نیز از خدمات این مراکز بهره‌مند شوند.»

چهره

فاطمه آیین،

عضو دفتر توسعه محلی محله سبلان
ظرفیت بی‌نظیر سمن‌ها
در تهران ۱۴۰۰

با تعریف پروژه‌های توانمندسازی در محله‌ها و نیز پروژه‌های بهسازی و زیست‌محیطی می‌توان در تهران ۱۴۰۰ به سمن‌ها قدرت بیشتری داد. در این پروژه‌ها مشارکت پررنگ‌تر است و شاید بتوانیم با تعریف طرح‌های مشارکت‌محور از پتانسیل سازمان‌های مردم‌نهاد بهره ببریم. به‌طور مثال با تعریف پروژه‌های توانمندسازی می‌توانیم شهروندان محله را در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی توانمند کنیم و گروه‌هایی از دل مردم محله‌ها شکل بگیرند و در محله فعال شوند. می‌توان به فعالیت‌های این گروه‌ها جهت داد و در نهایت آنها را در قالب سمن و NGO به ثبت رساند تا بتوانند در یک فضای مشخص مشغول به فعالیت شوند. از آنجا که سازمان‌های مردم‌نهاد بازاری توانمند مردم برای حل مسائل و مشکلات در محله‌ها هستند، می‌توانیم در هر زمینه‌ای از آنها بهره‌گیریم. به اعتقاد من هر قدر توانمندسازی را در محله‌ها پررنگ‌تر کنیم، بیشتر می‌توانیم از این سمن‌ها بهره‌گیریم. برای نمونه در زمینه کارآفرینی می‌توانیم از ظرفیت بی‌نظیر سازمان‌های مردم‌نهاد

بسیار زیاد استفاده کنیم. سمن‌ها به‌ویژه در شرایط اقتصادی الان می‌توانند در قالب مشاور در زمینه پیشگیری و درمان و ارتقای سلامت زمینه خوبی فراهم کنند.



[■] میز خبر

مدارس منطقه ۷ نونوار می‌شود

رئیس اداره آموزش‌های شهروندی منطقه ۷ گفت: «در راستای اجرای دستورالعمل‌های ابلاغی اداره کل آموزش‌های شهروندی و با توجه به تفاهمنامه بین اداره آموزش و پرورش و شهرداری منطقه ۷، فعالیت‌های عمرانی مدارس به مراحل پایانی خود رسید.» «اکرم ناصری‌فر» افزود: «با توجه به نشست مشترک و انعقاد تفاهمنامه با مسئولان آموزش و پرورش منطقه، طبق سال‌های گذشته طرح توسعه و تجهیز مدارس با مشارکت آموزش و پرورش منطقه در مدارس اجرا شده و مراحل پایانی کار در حال انجام است.» او هدف از اجرای این طرح را ایجاد الگوی مدیریت واحد و عادلانه در حمایت از مدارس و ارتقای همکاری در وضعیت تجهیز، بهسازی، ایمن‌سازی، بازسازی و مناسب‌سازی مدارس عنوان کرد و گفت: «مقاوم‌سازی مدارس در برابر زلزله، تعمیر و نگهداری ساختمان مدارس از جمله بازسازی سرویس‌های بهداشتی و تعمیرات سقف و پله‌ها از عمده فعالیت‌هایی است که در این طرح در دستور کار قرار دارد.»



استقبال از بهار با کاشت هزار نهال

شهردار منطقه ۱۱ گفت: در امتداد برنامه‌های استقبال از بهار، ۴۰۰ نهال مثمر در بوستان رازی غرس شد و بیش از هزار نهال تا پایان هفته در سایر بوستان‌ها کاشته می‌شود. نصرالله‌آبادیان شهردار منطقه ۱۱ در حاشیه آیین درختکاری بوستان رازی که هر ساله از سوی اداره فضای سبز این منطقه برگزار می‌شود، گفت: «با توجه به فرارسیدن ماه اسفند و زمان مناسب برای کاشت نهال، ۴۰۰ نهال مثمر شامل انار، آلبالو، گیلاس، هلو، زردآلو، گردو و نارنج با حضور شهروندان کاشته شد.» او همچنین با بیان اینکه تا پایان همین هفته بیش از هزار نهال در بوستان‌های منطقه کاشته خواهد شد، افزود: «هفته گذشته نیز ۷۵ نهال نارنج با حضور شهروندان در محله شیخ هادی کاشته شد.» به گفته شهردار منطقه ۱۱، بیش از این ۳۰۰ درخت چنار با بن ۴۰-۳۵ سانتیمتر در طرح نهضت درختکاری در خیابان‌های معبری و امام خمینی (ره) غرس شد و ۱۴ هزار پیاز گل لاله نیز در میدان‌های پاستور و حر کاشته شده است.



۲۰۰

ورزشکار به همت معاونت اجتماعی و فرهنگی منطقه ۷ در قالب تیم‌های ۵ نفره در ۲ رده سنی ۱۱ تا ۱۶ سال و ۱۶ تا ۱۸ سال در مسابقات بسکتبال خیابانی که در مجموعه روباز شهدای قصر برگزار شد، شرکت کردند.

۱۰۰

سال تاریخ شهری منطقه ۱۲ در مطبوعات ایران بازخوانی می‌شود.

۶۰

اصله درخت چندساله به روش روتبال (جابه‌جا کردن درخت با محافظت از ریشه توپی آن) در ضلع شمال و جنوب خیابان آزادی برای حفظ زیبایی و آراستگی چهره شهری کاشته شد.

[■] خبر ویژه

منطقه ۷ صاحب پارک ترافیک شد

شهردار منطقه ۷ از ساخت نخستین پارک ترافیک این منطقه در بوستان آزادگان با هدف آموزش صحیح کودکان با قوانین ترافیکی خبر داد.

«سمیه حاجوی» گفت: «عملیات ساخت پارک ترافیک در بوستان آزادگان، واقع در ضلع جنوبی بزرگراه شهید سلیمانی، از ۱۵ بهمن آغاز شده و پیش‌بینی می‌شود تا اوایل سال ۱۴۰۰ به اتمام برسد.»

او در ادامه اضافه کرد: «ساختن آموزشی به مساحت تقریبی ۱۵۰ مترمربع، پل عابرپاده، مسیر دوچرخه، تقاطع زمان‌دار، مسیر یک‌طرفه، سواره، چهارراه و مسیر دوطرفه، ایستگاه حمل‌ونقل عمومی و آلمان‌ها و تجهیزات ترافیکی رایج از جمله امکانات پیش‌بینی‌شده در این پارک خواهد بود.» شهردار منطقه ۷ با اشاره به اینکه آموزش ایمنی ترافیک بدون تردید یکی از مؤثرترین روش‌های تغییر الگوهای رفتاری کودکان و نوجوانان در برخورد با مسائل ترافیکی است، گفت: «در بین گروه‌های مختلف آسیب‌پذیر در ترافیک، کودکان و نوجوانان به دلیل برخورداری نبودن از دانش ایمنی عبور و مرور در معرض خطرات بسیار زیادی قرار دارند.» او با تأکید بر اینکه آموزش مستقیم رفتار ترافیکی به کودکان و نوجوانان در محیط واقعی همواره همراه با بروز خطرات احتمالی برای آنهاست، ادامه داد: «کودکان می‌توانند در قالب تفریح و بازی قوانین لازم را آموزش ببینند.»

تلفن دفاتر قبول آگهی

دفتر مرکزی پذیرش

۸۸۳۱۱۹۱۹

شمال

آرژانتین	۸۸۷۵۳۴۰۱	پارک وی	۲۲۰۲۰۴۵۰	قلهک	۲۲۸۴۷۳۲۶
آفریقا	۲۲۰۳۴۴۴۱	پاسداران	۲۲۸۵۱۱۰۰	لويزان	۲۲۹۸۴۳۸۸
اقدسیه	۲۲۲۹۸۲۶۱	تجربیش	۲۲۲۱۸۸۱۲	ملاصدرا	۸۸۰۳۲۷۷۱
اندرزگو	۲۲۴۰۹۵۷۱	دولت	۲۲۶۱۴۲۴۳	میرداماد	۲۶۴۰۴۲۲۹
پارک ملت	۲۲۰۴۷۹۳۱	شریعتی شمال	۲۲۸۵۲۶۰۰	ونک	۸۸۷۷۹۹۴۱

مرکز

امین حضور	۳۲۵۰۳۵۲۵	سهروردی	۸۸۷۴۳۹۹۰	فاطمی	۶۶۴۳۴۹۵۹
انقلاب	۶۶۴۹۷۲۸۰	سهروردی شمالی	۸۸۷۵۶۶۶۱	فردوسی (۱)	۶۶۷۱۱۷۱۷
بازار	۵۵۶۰۴۹۵۵	سید خندان	۲۲۸۴۸۱۹۱	فردوسی (۲)	۶۶۷۱۳۴۸۴
بهارستان	۳۲۱۱۶۶۵۶	شریعتی	۸۸۴۳۵۷۶۹	لاله زار نو	۶۶۷۰۱۴۱۵
جمهوری	۶۶۴۰۱۴۷۹	شهید بهشتی	۸۸۷۵۵۳۳۰	میدان سپاه	۷۷۵۲۶۰۴۴
حافظ	۶۶۷۰۱۸۱۷	شهید مطهری	۸۸۹۰۳۵۵۶	میدان ولیعصر	۸۸۹۶۳۳۸۵
سعدی	۳۲۹۳۷۳۹۹	طالبانی	۸۸۸۰۲۵۶۴	هفت تیر	۸۸۸۴۴۰۶۵
سمیه	۸۸۳۲۳۳۷۸			یوسف آباد	۸۸۰۶۳۷۵۴

حومه تهران

اسلامشهر	۵۶۱۴۹۴۰۰	شهریار	۶۵۲۶۶۳۷۶	لواسانات	۲۶۵۵۱۴۹۰
دماوند	۷۶۳۴۰۳۴۴	کرج	۰۴۶۳۲۲۳۴۰۴۳	ورامین	۳۶۲۷۸۵۴۵

شبانه روزی

تلفن پذیرش آگهی ۱۸۱۹

تلفن پذیرش آگهی

www.Rahnama.com

غرب

آزادی	۶۶۸۶۷۹۶۴
آیت ... کاشانی	۴۴۰۷۴۰۳۳
بلوار فردوس	۴۴۰۵۱۳۱۷
پونک	۴۴۴۳۵۷۲۷
توحید	۶۶۹۴۰۵۳۸
تهرانسر	۴۴۵۶۱۳۳۳
دهکده المپیک	۴۴۱۴۶۶۳۳
جلال آل احمد	۸۸۲۶۵۵۵۳
جنت آباد	۴۴۴۷۲۷۱۲
ستارخان	۴۴۲۱۶۶۸۹
سعادت آباد	۸۸۶۹۶۰۱۰
شهران	۴۴۳۳۵۹۶۶
شهرک اکباتان	۴۴۶۶۵۹۴۹
شهرک غرب	۸۸۳۷۲۹۷۱
صادقیه	۴۴۰۷۹۰۰۵
فرحزاد	۲۲۰۶۱۸۷۷
فلکه اول شهران	۴۴۳۳۵۹۶۵
فلکه دوم صادقیه	۴۴۰۷۹۰۰۶
میدان المپیک	۴۴۱۴۶۶۳۰
نواب	۶۶۴۳۰۹۰۳
هانشمی	۶۶۳۷۹۱۵۱

دفاتر بازاریابی نیازمندیها

اشرقی اسفهان	۴۴۰۰۶۵۶۹
اندیشه	۸۸۵۰۵۰۱۱
چمازاده	۶۶۴۳۴۰۲۸
جهان آرا	۸۸۰۵۷۳۶۰
چهارراه قصر	۸۸۱۷۷۵۳۶
چهارراه ولیعصر	۶۶۴۰۰۸۸۳
سهروردی جنوبی	۸۸۹۳۳۷۰۰
شهر پرد	۵۶۷۹۱۴۷۳
شهر پردیس	۷۶۳۴۵۶۰۴
رباط کریم	۵۶۴۳۸۴۴۴
کریمخان	۸۸۸۰۶۱۴۲
مرزداران	۴۴۲۷۶۰۹۱

Rahnamamedia

شرق

افسریه	۳۳۸۰۸۰۶۹
بلوار پروین	۷۷۲۹۸۴۵۱
پیروزی	۳۳۷۹۳۰۲۳
تهرانپارس	۷۷۸۸۸۷۷۷
تهران نو	۷۷۹۰۲۶۴۶
حکیمیه	۷۷۳۰۷۸۳۰
خاوران	۳۳۸۳۹۲۰۲
سه راه افسریه	۳۳۸۰۸۸۸۴
رسالت	۲۲۵۳۲۴۴۷
فرجام	۷۷۲۰۷۹۳۹
قنات کوثر	۷۷۳۷۱۷۰۰
مجیدیه	۲۲۵۰۱۸۷۹
میدان امام حسین	۷۷۵۰۰۵۸۳
نارمک	۷۷۹۴۴۴۴۷
نبرد	۳۳۶۹۶۰۶۰
نظام آباد	۷۷۸۴۴۰۱۴
نیروی هوایی	۷۷۹۸۰۹۷۰

جنوب

امیریه	۵۵۳۷۵۰۴۱
خراسان	۳۳۵۲۲۱۸۶
خرانه بخارایی	۵۵۰۵۵۰۱۰
دولت آباد	۳۳۷۶۷۵۱۶
سه راه آذری	۵۵۷۳۳۴۳۵
شوش	۵۵۰۵۰۴۲۴
شهرری	۵۵۹۵۱۲۶۹
عیدل آباد	۵۵۸۶۳۲۶۲
کارگر جنوبی	۵۵۶۵۱۰۲۴
مولوی	۵۵۸۱۷۴۰۸
مهرآباد	۶۶۲۸۷۶۱۹
نازی آباد	۵۵۰۷۹۴۰۰
وحدت اسلامی	۵۵۸۱۵۵۰۲
یافت آباد	۶۶۶۲۱۹۰۱
بهشت زهرا	۰۹۳۰۱۱۰۱۸۱۹



همسایگی با مراکز خدماتی برای اهالی

کوچه‌ای در منطقه ۱۰ در دسرساز شده است

«آذرشهر» اندر خم یک پارکینگ

فائزه توکلی

خیابان آزادی از بقایای زمین‌های کشاورزی اراضی طرشت است. خیابانی که به مرور با تبدیل قطعات کشاورزی به زمین‌های مسکونی و تجاری از دهه ۴۰ شکل و شمایل شهری به خود گرفت. به دنبال این تغییرات کوچه‌ها هم در دل خیابان آزادی جان گرفتند. این تغییر ماهیت و همسایگی بخش‌های مسکونی و تجاری در کنار هم بی‌شک کم‌دردسر نیست. مشکلاتی مانند راه‌بندان، کمبود پارکینگ، سروصدای زیاد و تردد افراد غیربومی در محله همگی از تبعات این همجواری است. کوچه آذرشهر در خیابان آزادی در تکه دهم پایتخت یکی از همین کوچه‌های پرماجر است که در مجاورت داروخانه شبانه‌روزی آزادی، درمانگاه ۲۲ بهمن و بازار تره‌بار آذرشهر واقع شده.

ساعت ۱۷ یک عصر زمستانی در کوچه آذرشهر تا چشم کار می‌کند در دو سمت کوچه خودروهای رنگارنگ جا خوش کرده‌اند، حتی در مقابل پارکینگ بعضی از اهالی. کوچه آذرشهر خیابان آزادی را به خیابان آذربایجان متصل می‌کند و به همین دلیل، ورودی و خروجی تکه دهم پایتخت محسوب می‌شود و این موقعیت به ترافیک و افزایش تردد از این کوچه دامن می‌زند.

توقف مقابل پارکینگ اهالی

همسایگی بافت تجاری و خدماتی و اداری یکی از مهم‌ترین مشکلات اهالی کوچه آذرشهر است. «زینب غلامی» از اهالی این کوچه، با بیان این مطلب می‌گوید: «در ابتدای کوچه، درمانگاه ۲۲ بهمن واقع شده است. بیشتر مراجعه‌کنندگان به این درمانگاه در مقابل خانه اهالی خودروهایشان را پارک می‌کنند. بسیاری از آنها چون بیمار دارند به درمانگاه مراجعه می‌کنند و توجهی به محل

پارک ماشینشان ندارند. همین موضوع برای اهالی و حتی کسانی که پارکینگ دارند در دسرساز شده است، چون برای بیرون رفتن از خانه باید ساعت‌ها منتظر بمانند تا صاحب ماشینی که راه خروج را مسدود کرده، پیدا شود. در این وضعیت، اگر عجله هم داشته باشیم، تصور کنید چه اتفاقی می‌افتد؛ روشن است که اغلب باید شاهد درگیری باشیم.»



دعوا و درگیری میان همسایه‌ها با رانندگان و مراجعان به مراکز خدماتی مجاور دائمی است، غریبه هم که باشد دیگر حرمت همسایگی را نگه نمی‌دارد

چه آشفته‌بازاری داریم. دعوا و درگیری میان همسایه‌ها با رانندگان و اهالی غریبه دائمی است، غریبه هم که باشد دیگر حرمت همسایگی را نگه نمی‌دارد. به گفته مجرمی، همه مشکلات البته به این مراکز محدود نمی‌شود؛ کوچه آذرشهر تنها کوچه‌ای است که مسیر خروج و ورود آن برخلاف کوچه‌های مجاورش در حدفاصل قصرالدشت تا خیابان آزادی باز است. بسیاری برای فرار از ترافیک از همین کوچه استفاده می‌کنند و به نحوی بار ترافیک بخش انتهایی منطقه هم بر دوش این کوچه است.

پارکینگ، بلا تکلیف

آخر کوچه آذرشهر، در تقاطع خیابان آذربایجان، قطعه زمین ره‌اشده‌ای وجود دارد که از آن به‌عنوان پارکینگ استفاده می‌شود. «جواد مقامی» از دیگر اهالی کوچه آذرشهر، درباره وضعیت این پارکینگ می‌گوید: «این زمین در گذشته مالک داشت و ۲ بار هم گودبرداری شد و بعد پرش کردند. البته این روزها در اختیار شهرداری است و مناسب پارکینگ شدن نیست. در حال حاضر هم فضای مناسبی ندارد و از همه مهم‌تر پاس‌خگوی حجم مراجعه‌کنندگان به مراکز خدماتی مستقر در کوچه نیست. در واقع، نه‌فقط اهالی کوچه آذرشهر، بلکه محدوده خیابان آذربایجان، به پارکینگ طبقاتی نیازمندند. ایجاد پارکینگ می‌تواند تا حدودی از حجم مشکلات ترافیکی منطقه که با زندگی ساکنان هم گره‌خورده کم کند.»

دردسر داروخانه و درمانگاه

نزدیک بودن به مراکز خدماتی مانند درمانگاه و داروخانه و بازار میوه‌و تره‌بار در وهله نخست نوعی مزیت محسوب می‌شود، اما این مزیت برای اهالی کوچه آذرشهر رضایت به همراه نداشته است. «داود مجرمی» ۴۰ سال است در این کوچه ساکن است. او با اشاره به بعضی از مصائب شهری کوچه آذرشهر می‌گوید: «در ابتدای کوچه داروخانه شبانه‌روزی آزادی و درمانگاه ۲۲ بهمن، متعلق به تأمین اجتماعی، را داریم و میانه کوچه هم بازار میوه‌و تره‌بار است. هر ۳ مرکز پرمشتری است و اغلب مراجعه‌کنندگان خودروهایشان را داخل کوچه پارک می‌کنند و با راندن خلاف جهت هم مشکلی ندارند. کافی است یک روز در این کوچه زندگی کنید تا ببینید





از دحام در مشهورترین خیابان فروش لباس کودک در بجهوچه کرونا

هراسان به استقبال بهار

شقایق عرفی نژاد

ظهر جمعه است، اما هیچ چیزش به ظهر جمعه نمی ماند. سکوتی نیست. خیابان پر از ماشین است و از پنجره هر ماشین یک کودک سر بیرون آورده است و اگر خوب نگاه کنید، برق شادی را در چشم بچه ها می بینید. مقابل چشمانشان خیابان پر از عروسک است و بادکنک و اسباب بازی و آن سوتر، بغل به بغل، مغازه هایی که لباس نو در ویترینشان دل می برد. اینجا خیابان بهار است



در این ظهر جمعه چیزی نمانده به عید، مقابل پاساژ بزرگ لباس و وسایل کودک، ازدحام جمعیت است. راهرو کنار پاساژ هم پر از مغازه است و کسانی که به ویتترین مغازه ها نگاه می کنند، اغلب دست یک بچه در دستشان است و این یعنی خرید عید شروع شده است. سال پیش، این روزها، پاساژها و مغازه های این خیابان خالی بودند. کرونا برای این خیابان مشتری نگذاشته بود. اما حالا وضعیت با سال گذشته فرق می کند. کرونا نرفته، اما ترس از آن کم شده است. آنها که برای خرید به اینجا آمده اند ماسک دارند و صورت بچه ها را هم با ماسک کوچک پوشانده است. اما فاصله اجتماعی چیزی نیست که در این جمعیت بتوان رعایتش کرد.

لباس نو برای عکس سال نو

«محمد عبیری» و «سمیرا بهرامی» یکی از ویتترین های راهرو بیرونی پاساژ ایستاده اند. آرمان، کودک ۵-۶ ساله شان هم همراهشان است. اهل این محله نیستند، اما می گویند هر سال برای خرید لباس بچه به اینجا می آیند. محمد می گوید اینجا بورس لباس بچه است و جنس ها هم تنوع دارند. به همین دلیل برای خرید به این خیابان می آیند. صحبت از کرونا که می شود، سمیرا می گوید: «چون اینجا محیط باز است، نمی ترسم. ولی داخل پاساژ نمی روم». می گوید برای عید مهمان ندارند و خانه هیچ کس هم نمی روند، اما دوست دارند آرمان در عکس های سال جدید لباس نو داشته باشد. راهرو پر از صدای بچه است. آنها که بلند حرف می زنند، آنها که جیغ می کشند و چیزی را می خواهند و آنها که گریه می کنند. پدر و مادرها مجبورند آرام باشند. از داخل ویتترین چیزی را به هم نشان می دهند و درباره خریدن و نخریدنش بحث می کنند. «احمد اسدی» یکی از همین هایی است که همراه همسرش به کفشی در ویتترین نگاه می کند و درباره اش حرف می زند. کودک کم سالشان در بغلش و در یک دست هم چند پاکت خرید است. می گوید نخستین بار است که به اینجا



می آید: «دوستم اینجا مغازه دارد و این لباس ها هم در واقع هدیه هستند. وگرنه قیمت ها بسیار بالاست».

«ترجس صالحی» اما هر سال برای خرید لباس عید فرزندش به اینجا می آید. امسال هم با ماسک و رعایت موارد بهداشتی و البته ترس بسیار همراه کودک ۶ ساله اش آمده تا عید بی لباس نو شروع نشود. می گوید: «ها نزدیک این خیابان سکونت نداریم، اما ترجیح می دهم به جای سر زدن به هر فروشگاه دیگری به این خیابان بیایم؛ چون همه چیز را می توان همین جا خرید». و البته که از قیمت های «وحشتناک» گران هم صحبت می کند.



علی کاشانی
کاسب

خیابان پر خاطره

داخل پاساژ بزرگ هم شلوغ است. مغازه ها لباس بچه و نوزاد می فروشند و سیسمونی و کالسکه و اسباب بازی. جمعیت در لابی راه می روند و از مغازه های به فروشگاه دیگر سرک می کشند. «امیرسردار بختیار» همراه دخترش به اینجا آمده تا برای نواش خرید کند. نوه روی یکی از ماشین های بازی که در پاساژ کرایه می دهند، نشسته است و مادرش او را راه می برد. بختیار می گوید: «امسال نخستین سال است که برای خرید لباس نوهام به اینجا می آیم. این خیابان برای من پر از خاطره است و زمانی که کودک بودم مادرم از همین جا برایم لباس می خرید. یادم هست با او به اینجا می آمدیم و برای من کت و شلوار و پیرهن و کفش می خرید و تمام اینها با ۷۵ تومان جور می شد».

دختر او و مادر کودکی که آمده اند برایش خرید کنند، از جمعیت و کرونا می ترسد. می گوید: «اصلاً فکر نمی کردم این قدر شلوغ باشد. واقعاً ترسیده ام، می خواهیم هر چه زودتر برویم. حتی لباس هایی را که خریده ایم، به تنش امتحان نکرده ایم».

اما کمی دورتر از او کسانی هستند که این قدرها هم کرونا را جدی نگرفته اند. مادری پیرهنی را به تن دختر کوچکش می گیرد و اندازه می کند. کمی آن طرف تر «عاطفه فرحی» که کودکی یک ساله به

همراه دارد، می گوید: «اینجا کالاهای متنوعی دارد و برای همین ترجیح دادم از اینجا خرید کنم». او رودست خورده است: «فکر می کردم جمعه است و خلوت، ولی ظاهراً بقیه هم همین فکر را کرده اند. با ترس و لرز دارم خرید می کنم». بیرون از پاساژ، آن سوی خیابان، دستفروشان عروسک و بادکنک می فروشند و کدام کودکی

است که نگاه کند و دلش یکی از آنها را نخواهد. «اسد تیبیان» با همسرش و کودک ۶ ساله اش جلو بساط یکی از دستفروشان ایستاده است. پسر بچه بادکنک اسپایدرمن می خواهد و پدر به فروشنده می گوید که بدهد. نگاه پسر بچه بادکنک را از دستفروشنده تا دست پدر دنبال می کند و وقتی به دستش می آورد، لبخند می زند. پدر می گوید: «این دومین بار است که در این سال ها از خیابان خرید می کنیم. فکر می کردیم اینجا باید لباس ها ارزان تر باشد، اما این طور نیست».

او از کرونا هم می گوید: «می دانیم که در شرایط کرونا باید رعایت کرد و به محل های شلوغ نیامد. اما در حد یک خرید آمده ایم و رعایت می کنیم. بچه این قدر در خانه مانده و بیرون نیامده که الان از همه چیز ذوق می کند. فعلاً یک اسپایدرمن برایش خریده ایم. تا بعد ببینیم چه می شود».



علی رحمانی
کاسب

وضعیت خوب نیست

مغازه داران این خیابان اسفند سال پیش تقریباً بسته بودند. امسال جمعیت زیاد است، اما گویا ماجرا باز هم چندان رضایت بخش نیست. «علی کاشانی» که در یکی از پاساژها مغازه دارد، می گوید: «پارسال این موقع تعطیل بودیم. الان هم بی خودی شلوغ است. مردم برای خرید می آیند، اما پولشان نمی رسد. لباس گران است. مشتری داشته ام که فقط ۱۰ هزار تومان خرید کرده است. اصلاً خرید شب عید در کار نیست. همه دنبال کالای ارزان هستند».

صاحب یکی دیگر از مغازه ها هم می گوید: «اینجا پر از جمعیت است، ولی هیچ کدام مشتری نیستند. مردم پول توی جیبشان نیست. فقط نگاه می کنند. خرید نمی کنند». «عباس محمدی» هم که مغازه ای در این خیابان دارد، از میزان فروش راضی نیست. او می گوید: «خریدها بسیار کم شده است. با توجه به نبود جنس در بازار، افزایش قیمت داشته ایم. وضعیت اقتصادی مردم هم طوری نیست که بتوانند با این قیمت ها راحت خرید کنند. برای همین فروش خیلی کم شده است».



عباس محمدی
کاسب

او از وضعیت سال گذشته هم می گوید: «پارسال تا اواسط اسفند باز بودیم. تا ۲۰ اسفند وضعیت بد نبود، ولی یک دفعه طوری شد که کسی را در خیابان نمی دیدید. اگر هم سر و کله کسی پیدا می شد، بدون بچه می آمد. الان ترس ها ریخته و گروهی به خرید می آیند که با وجود همه گیری، اشتباه است».



نام «احمد عدل پرور» بر پیشانی تعدادی از موقوفه‌های منطقه ۱۰ دیده می‌شود

داستان نیکوکاری از یک «تابلو» آغاز شد

بهاره خسروی

زندگی ترکیبی از شیرینی‌ها و تلخی‌هاست. برنده کسی است که به دل این تلخی‌ها بزند و از آن عسل ناب بسازد. مرحوم «احمد عدل پرور» خیر مدرسه‌ساز در تکه دهم پایتخت، یکی از همین افراد بود که از روزهای سخت زندگی‌اش و نیکوکاران زمانه‌اش درس گرفت و به هنگام توانایی مانند آنها پا در میدان عمل و کار خداپسندانه گذاشت. مرحوم عدل پرور نخستین خیری بود که در سال ۱۳۷۳ با ساخت دبیرستان پسرانه احمد عدل پرور و ساختمان سازمان فنی و حرفه‌ای در خیابان آزادی، تقاطع خوش، مدرسه‌سازی را در تکه دهم پایتخت باب کرد. در این گزارش، با «گوروش عدل پرور» فرزند آن مرحوم، درباره فعالیت‌های نیکوکارانه پدرش در منطقه ۱۰ گفت‌وگو کردیم.

«احمد عدل پرور» ۴ خرداد سال ۱۳۱۰ خورشیدی در محله قیام، کوچه شترداران، متولد شد. خانواده او تمول چندانی نداشتند و به همین دلیل احمد از همان روزگار نوجوانی برای کمک به خانواده به کار و فعالیت پرداخت. «گوروش عدل پرور» با این جملات سر صحبت را باز می‌کند: «ماجرای قدم نهادن این مرحوم در کار خیر مربوط به خاطره تلخ بیماری مادرش و بیمارستان وقفی نجمیه است. در دوران کودکی مادر بیماری سختی می‌گیرد و در بیمارستان نجمیه بستری می‌شود. پدرم با دیدن عنوان «وقفی» در تابلو بیمارستان نجمیه با واژه وقف آشنا می‌شود و معنای آن را از پدر بزرگم می‌پرسد. او همانجا با خود شرط می‌کند تا در بزرگسالی ساختمانی وقفی بسازد و در ادامه مسیر، برای کمک به نیازمندان و ساخت سرپناه، در دانشگاه رشته مهندسی ساختمان را دنبال می‌کند.»

نخستین بانی مدرسه‌سازی

مرحوم عدل پرور به قشر فرهنگی، به‌ویژه معلمان، ارادتی خاص داشت. او معتقد بود این معلمان هستند که جامعه را می‌سازند و باید قدر و ارزش آنها در جامعه حفظ شود. گوروش عدل پرور با بیان این مطلب ادامه می‌دهد: «در واقع قدم گذاشتن پدرم در مسیر مدرسه‌سازی هم نشئت‌گرفته از همین دیدگاه بود. او برای گردش و تفریح به نورآباد ممسنی



هر چند بسیاری مواقع در انجام کار خیر ناملایمات و بی‌مهری‌هایی هم می‌دید، اما باز هم دنبال گره‌گشایی از کار خلق خدا بود

باید فرصتی برای اصلاح افراد و تربیت آنها باشد. با این کار آنها تبعیض را یاد می‌گیرند.» البته این روزها از دبیرستان پسرانه احمد عدل پرور چیزی جز نام باقی نمانده است. در حال حاضر دبیرستان دخترانه رضوان به این مدرسه منتقل و مدرسه دخترانه شده است.

خدمات خیر به بی‌شمار

مرحوم عدل پرور علاوه بر مدرسه‌سازی در بسیاری از امور خیریه پیشگام بود و در واقع هر جا که می‌توانست گرهی باز کند حضور داشت. گوروش عدل پرور، درباره دیگر خدمات خیریه‌ای پدرش می‌گوید: «ساخت اورژانس بیمارستان دکتر شریعتی، ساخت مسجد در ولیجان، ساخت بیمارستان فیروزآباد شیراز، ساخت مساجد در مناطق محروم، راه‌اندازی صندوق قرض الحسنه دانشگاه تهران، راه‌اندازی صندوق قرض الحسنه عدل پرور، اجاره به زوج‌های جوان و پس‌انداز پول آنها برای خرید خانه از دیگر خدمات خیرانه پدر بود.»

او به واسطه خدمات و کارهای خیریه‌اش از رئیس آموزش و پرورش نورآباد ممسنی و وزیر آموزش و پرورش وقت لوح تقدیر دریافت کرد.

شرط معدل ممنوع

یکی کارهایی که مرحوم عدل پرور با آن به‌شدت مخالف بود گزینش کردن و شرط گذاشتن برای دانش‌آموزان در زمان نامنویسی بود. پسر مرحوم عدل پرور تعریف می‌کند: «وایل که مدرسه افتتاح شد. به گوش پدر رسید برای نامنویسی دانش‌آموزان در این مدرسه شرط معدل گذاشته‌اند. مدرسه فقط دانش‌آموزان با معدل بالا را قبول می‌کرد. پدرم به‌شدت با این کار مخالف بود. او گفت: «هنر این نیست که دانش‌آموز ممتاز را تحویل گرفت و دانش‌آموز ممتاز تحویل داد. هنر آن است که از دانش‌آموز ضعیف یک دانش‌آموز ممتاز ساخت. اینکه برای بچه‌ها شرط معدل بگذاریم و یک عده را از تحصیل محروم کنیم کار قابل قبولی نیست. پدرم معتقد بود که مدرسه



زندگی با مردم

«پدرم تا زمانی که زنده بود، عاشقانه زندگی می‌کرد. عاشق زندگی و عشق ورزیدن به مردم بود.» گوروش عدل پرور با این عبارات پدرش را توصیف می‌کند و می‌گوید: «ساده زندگی می‌کرد. با وجود اینکه ماشین شخصی داشت، اکثراً برای رفت‌وآمد از اتوبوس استفاده می‌کرد. دوست داشت با مردم باشد. حرف و درد دل‌های آنها را گوش می‌داد. می‌گفت این‌ور و آن‌ور رفتن با ماشین خودش او را از مردم دور می‌کند، نمی‌فهمد آنها چه می‌خواهند. همیشه در یک کیسه نایلونی برای پرنده‌ها ارزن توی جیبش داشت. هر جا پرنده‌ای می‌دید برایش دانه می‌ریخت. علاقه پدرم به کار خیر و صف‌نشدنی است. هر چند بسیاری مواقع در انجام کار خیر ناملایمات و بی‌مهری‌هایی هم می‌دید، اما باز هم دنبال گره‌گشایی از کار خلق خدا بود تا اینکه ۱۵ شهریور ۱۳۸۶ برای همیشه به آسمان ابدیت پرواز کرد.»



این بچه‌ها که در سن یادگیری هستند، یاد داد که چطور تولید فکر کنند. این آموزش می‌تواند با تمرکز بر بازیگری و کارگردانی انجام شود. درست است که به نظر می‌رسد در این سنین بچه‌ها آمادگی انجام چنین فعالیت‌هایی را ندارند، اما تجربه نشان می‌دهد اتفاقاً خیلی از آنها هم در این زمینه با استعداد هستند و دوست دارند مثلاً در زمینه نویسندگی تجربه و کار کنند.»

او اجرای مستمر تئاتر را برنامه دیگری می‌داند که فرهنگسراها می‌توانند با دنبال کردن آن به گسترش تئاتر کمک کنند: «اجرای تئاتر در فرهنگسراها بسیار مهم و کارآمد است. البته به شرط اینکه ممتد و همیشگی باشد. این کار باعث می‌شود تئاتر در فرهنگسراها مخاطب دائمی پیدا کند؛ کسانی که منتظرند کارهای جدید ببینند.» خمان نکته دیگری را هم یادآوری می‌کند: «مسئله دیگری که می‌شود روی آن کار کرد ایجاد بانک اطلاعاتی است. به این معنا که می‌توان اطلاعات مخاطبانی را که به فرهنگسرا می‌آیند، جمع‌آوری کرد و اخبار کارهای هنری را به اطلاعشان رساند. این کار باعث می‌شود فرهنگسراها تبدیل به کانون‌های مهم و پرمخاطب هنری شوند.»

او از فعال شدن کانون‌های فرهنگسراها هم صحبت می‌کند و می‌گوید می‌توان بیشتر روی کانون‌های مختلفی که در فرهنگسراها هستند، تمرکز کرد؛ کانون‌هایی که با افرادی خارج از فرهنگسرا تشکیل و اداره شوند: «به عنوان مثال، در زمینه تئاتر، کسانی که بیرون از فرهنگسراها در این حوزه فعالیت می‌توانند در این کانون‌ها حضور داشته باشند تا پلی بین فرهنگسراها و فضاهای حرفه‌ای تئاتر ایجاد شود. فرهنگسراها با وجود این افراد با تئاتر روز و اندیشه‌های جدید در تئاتر آشنا می‌شوند.»



گفت‌وگو با کارگردان نمایشنامه‌خوانی‌های فرهنگسرای شفق

تئاتر در فرهنگسراها مستمر اجرا شود

شقایق عرفی‌نژاد

تخصص دارند. ضمن اینکه شرایط هم برای اجرا چندان مناسب نیست.»

او البته این کار را شروع کار گروه می‌داند و امیدوارند با از بین رفتن کرونا اجرای بیشتری داشته باشند.

نقش فرهنگسراها در گسترش تئاتر

خمان معتقد است فرهنگسراها از چند جنبه می‌توانند به معرفی تئاتر به مخاطب و گسترش آن در محله‌های مختلف کمک کنند: «یکی از مهم‌ترین کارهایی که فرهنگسراها به عنوان کانون‌های محلی هنری در زمینه تئاتر می‌توانند انجام دهند، آموزش است. فرهنگسراها با تمرکز بر آموزش که بیشتر در حوزه کودکان و نوجوانان است، می‌توانند در محله‌ها تأثیرگذار باشند. اینکه در این مراکز آموزش بیشتر در حوزه کودکان و نوجوانان است تا بزرگسالان، باعث می‌شود خانواده‌های حضور بیشتری در فرهنگسراها داشته باشند که اتفاق خوبی است. فکر می‌کنم در کلاس‌های آموزشی می‌توان به

اسفند سال گذشته، شروع تعطیلی برای خیلی از کسب‌وکارها بود. بعضی از این فعالیت‌ها از دیهشت‌ماه دوباره از سر گرفته شدند، اما برای بعضی دیگر مثل تئاتر این تعطیلی بیشتر طول کشید: نزدیک به یک سال. حالا کم‌کم تئاترها باز شده‌اند و نمایش‌ها با بازیگران کمتر و تماشاگر اندک اجرا می‌شوند. ۳۰ بهمن و ۳ اسفند هم ۲ نمایشنامه‌خوانی از یک گروه در فرهنگسرای شفق روی صحنه رفتند. اولی متنی بود از «محمدرضا کوهستانی» به نام «ژاکتی برای زمستان» و دومی «پوتین‌های عمویا» نوشته «شهرام کرمی».

کارگردان این ۲ نمایشنامه‌خوانی «سعید خمان حاتم» است که کارشناس هنری فرهنگسرا هم هست.

او درباره تمرین‌ها و آماده کردن این ۲ نمایش می‌گوید: «این نمایش‌ها را طی ۲ ماه و هفته‌ای یک یا ۲ جلسه تمرین کردیم. سعی کردیم در شرایط کرونا حضورمان را به حداقل ممکن برسانیم. ضمن اینکه بچه‌ها هم شاغل بودند و باید سرکار حضور پیدا می‌کردند و نمی‌توانستند بیشتر از این در تمرین‌ها حضور داشته باشند. در این شرایط تمرین کردن سخت است. در طیول تمرین‌ها سعی کردیم کاملاً موارد بهداشتی را رعایت کنیم. در یکی از اتاق‌های

فرهنگسرا تمرین کردیم و بعد از مدتی هم در سالن آمفی‌تئاتر مجموعه کار را ادامه دادیم که فضای بازتری داشت و با شرایط بهتری می‌شد تمرین کرد.»

او از روز خاص اجرا هم می‌گوید: «در این شرایط کرونا، تماشاگر تئاتر بسیار کم‌شده است. در سالن‌های حرفه‌ای که مراکز اصلی اجرای تئاتر هستند، ریزش بسیار زیاد است. در فرهنگسراها هم که چندمنظوره هستند و سالنشان مختص تئاتر نیست، این ریزش طبیعی است که بیشتر

است. ولی با تبلیغات و اطلاع‌رسانی‌هایی که انجام شد، روز اجرا تعداد تماشاگر قابل قبول بود. البته ظرفیت یک‌سوم سالن را برای حضور تماشاگر در نظر گرفتیم. اتفاقاً روز اجرا هوا هم بارانی بود. با وجود این، استقبال خوبی شد و ما به عنوان گروه اجرا راضی بودیم. باز خورد تماشاگران هم خوب بود. نظر بیشتر آنها مثبت بود و انرژی خوبی از مخاطب دریافت کردیم.»

گروه اجرایی

تئاتر البته حاصل کار یک گروه است. خمان درباره گروهی که با آنها این نمایشنامه‌خوانی‌ها را اجرا کرده است، می‌گوید: «گروه بازیگران این نمایشنامه‌خوانی‌ها بیشتر در زمینه تولید

داستان‌های صوتی و خواندن رمان‌ها و تولید پادکست فعالیت می‌کنند. از طریق مدیریت فرهنگسرا با سرپرست گروه، آقای آشتیانی، آشنا شدم و با توجه به سابقه گروه پیشنهاد دادم نخستین کارهای ما در زمینه خوانش نمایشنامه باشد که بچه‌ها در آن

فرهنگسراها با تمرکز بر آموزش که بیشتر در حوزه کودکان و نوجوانان است، می‌توانند در محله‌ها تأثیرگذار باشند



ارتباط اهالی با فرهنگسرا

خمان معتقد است در گذشته ارتباط مناسبی بین فرهنگسرای شفق و اهالی محله وجود داشت و توضیح می‌دهد: «چند سال پیش که جشنواره تئاتر شهر را برگزار می‌کردیم و بخشی از نمایش‌های خیابانی در این فرهنگسرا اجرا می‌شد، مردم ارتباط خوبی با فرهنگسراها و نمایش‌ها داشتند، ولی طی ۲ سال سیاست فرهنگسرا به سمتی رفت که تئاتر در آن جایگاه چندانی نداشت. حالا با حضور مدیریت و گروه جدید، قصد داریم تئاتر را در فرهنگسرا فعال‌تر کنیم. خودمان شروع کرده‌ایم و گروه‌های دیگری را هم دعوت کرده‌ایم تا کارهایشان را برای اجرا آماده کنند. چند نمایش محیطی هم داشتیم. با توجه به این کارها، به نظرم ارتباط مطلوبی با مخاطب در حال شکل گرفتن است.»





یادداشت

مراقب روح و روان زنان سرپرست خانوار باشیم

فاطمه عسگری نیا

تنش‌های شدید روحی، استرس، ناامیدی و ترس از آینده پیامد شوم کرونا برای زنان خودسرپرست و بدسرپرست جامعه امروز است. زنانی که تا پیش از این، در کنار همه مسائل و مشکلات اقتصادی، به واسطه حضور در اجتماع و هم‌صحبتی با هم‌گروه‌های خود، بخشی از اندوه درونی خویش را سبک می‌کردند، این روزها به واسطه تعطیلی کسب و کارهایی که در آنها مشغول بودند و نیز خانه‌نشینی، در معرض بیماری‌های روحی و جسمی فراوانی قرار دارند. این زنگ خطر جدی برای سلامت جامعه است، چراکه اگر در یک جامعه شاهد افزایش تعداد مادران افسرده و بیمار باشیم، سلامت روحی و روانی جامعه هم خواهد‌ناخواه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بنابراین، توجه به این قشر و برنامه‌ریزی برای برقراری آرامش آنها در دوران سیاه کرونا باید در اولویت مسئولان قرار بگیرد. متأسفانه در میان تمام اقشار آسیب‌پذیر جامعه در دوران کرونا، زنان سرپرست خانوار آن‌طور که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته‌اند و ادامه این روند در کنار هزینه‌های سنگین زندگی برای آنها، باعث می‌شود تا به سمت و سوی رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی گرایش پیدا کنند؛ موضوعی که تبعات جبران‌ناپذیری را برای اجتماع به همراه خواهد داشت. رسانه‌ها در این میان می‌کوشند با به صدا در آوردن این زنگ خطر، تشکلهای مردم‌نهاد و خیران شهر را برای کمک به زنان خودسرپرست و بدسرپرست بسیج کنند. ما امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند همدلی با این قشر آسیب‌پذیر هستیم؛ مادرانی که بار سنگین زندگی را بر دوش دارند و برای حمایت از فرزندان خود ناچار به انجام هر کاری هستند.

وضعیت زنان سرپرست خانوار منطقه ۱۱ در روزهای شیوع کووید-۱۹ چگونه است؟

کرونا نان ما را آجر کرد

فاطمه عسگری نیا

یک سال از حضور و بروس کرونا در کشور می‌گذرد و مصیبت‌های ناشی از انتشار این مهمان ناخوانده بیشتر و بیشتر دامن جامعه را می‌گیرد. از افزایش روزافزون مرگ و میرهای ناشی از آن گرفته تا تعطیلی کسب و کارهای اقتصادی. در میان تمام اقشار جامعه که به نوعی گرفتار این بیماری شده‌اند، زنان سرپرست خانوار که تأمین هزینه‌های زندگی را عهده‌دار بوده‌اند بیش از سایرین لطمه دیده‌اند. بانوانی که تنها منبع درآمدها را این روزها از دست داده و زیر بار هزینه‌های سنگین زندگی درآمده‌اند. در این گزارش، پای درددل تعدادی از این زنان در منطقه ۱۱ نشستیم و دغدغه‌هایشان را با مسئولان منطقه در میان گذاشتیم.

فاطمه ۱۱ سال پیش همسرش را در پی ابتلا به سرطان از دست داده است. صاحب ۳ فرزند است و در خانه‌ای استیجاری در کوچه‌پس‌کوچه‌های محله هلال‌احمر زندگی می‌کند. همه زندگی فاطمه و ۳ فرزندش وابسته به صدای قیژ قیژ چرخ خیاطی بود و دوخت کارهای سفارشی که از کارگاه‌های تولیدی خیاطی می‌گرفت: «۶ ماه است خبری از کار نیست. کارگاه‌های خیاطی یا تعطیل شده‌اند یا سفارش کار به ما را قطع کرده‌اند. چرخ زندگی‌مان به کندی می‌چرخد. از ابتدای کرونا تا الان فقط یک بسته معیشتی دریافت کرده‌ایم که کفاف یک ماهمان را هم نداده است. برای کار به همه جا سر زده‌ام، اما کسی به یک زن ۵۰ ساله تقریباً بی‌سواد کار نمی‌دهد. حتی حاضر شدم برای نظافت خانه‌ها بروم، اما بی‌فایده است.» این را می‌گوید و نگاهش را به موزاییک‌های شکسته حیاط خانه می‌دوزد. سکوتش فضای گفت‌وگو را سنگین‌تر می‌کند.

قصد تلخ زندگی زنان سرپرست خانوار را بانوی ۳۸ ساله دیگری در محله راه‌آهن برایمان روایت می‌کند. او هم مادر ۲ کودک قد و نیم‌قد است. مصیبت‌های او بیشتر از فاطمه است. تعطیلی مدارس چاره‌ای برای او باقی نگذاشته است: «کارگر یک رستوران بودم، اما از ابتدای اسمال تا به حال بیکار شده‌ام. چاره‌ای ندارم. باید در مترو دستفروشی کنم. در تمام ساعتی که مجبورم کار کنم، بچه‌ها را در راهروهای مترو تئاتر شهر می‌نشانم. یکی دستمال کاغذی می‌فروشد، دیگری فال.» حرفش را با آه عمیق و کشاری ادامه می‌دهد: «سرمایه زیادی برای خریدن جنس از بازار و فروش در مترو ندارم. از طرفی، خیره این کار هم نیستیم. فروشندگی خودش هنری است که من ندارم. به خاطر همین، نمی‌توانم به اندازه وقتی که



رئیس اداره امور بانوان شهرداری منطقه ۱۱: همه تلاشمان حمایت از زنان خودسرپرست است

رئیس اداره امور بانوان شهرداری منطقه ۱۱ می‌گوید: «از ابتدای شیوع بیماری کرونا و تعطیلی کسب و کارها وضعیت زنان خودسرپرست و بدسرپرست منطقه یکی از اولویت‌های شهرداری منطقه ۱۱ بوده و است. لذا، کوشیدیم تا در قالب طرح‌های حمایتی مختلف، حداقل بخشی از مشکلات این قشر را حل کنیم.» «فیروزه خزایی کوهپیر» با اشاره به تعطیلی بازارهای محلی، پیرو پروتکل‌های بهداشتی ستاد



فیروزه خزایی کوهپیر
رئیس اداره امور
بانوان شهرداری
منطقه ۱۱

ملی کرونا، می‌افزاید: «تا قبل از شیوع کرونا تمامی سراهای محله شاهد فعالیت بازارهای محلی و غرفه‌های ویژه حمایت از این قشر بودند که متأسفانه بعد از کرونا چراغ آنها خاموش شد. هر چند در این مدت کوشیدیم با ساماندهی بانک اطلاعات زنان خودسرپرست و بدسرپرست منطقه بستر لازم برای دریافت کمک‌های معیشتی ایام کرونا را توسط این قشر فراهم کنیم.» درست است کرونا سایه سنگین خود را این روزها بر سر سراهای محله انداخته و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان را در این مراکز محلی تحت‌الشعاع قرار داده است، اما آموزش مجازی و تقویت فروش آنلاین محصولات زنان خودسرپرست خانوار امر مهمی است که حوزه امور بانوان شهرداری منطقه ۱۱ آن را دنبال می‌کند. رئیس اداره امور بانوان شهرداری منطقه ۱۱ در این باره می‌گوید: «در طول یک سال اخیر کوشیدیم با پیگیری دوره‌های مهارت‌آموزی مجازی به زنان به‌صورت مجازی بستر آموزش این قشر را دنبال کنیم. ضمن اینکه تلاش کردیم با ایجاد بسترهای لازم برای فروش آنلاین محصولات تولیدی زنان از فعالیت‌های اقتصادی آنان حمایت کنیم، هر چند در این مسیر منکر کاستی‌ها و مشکلات موجود نیستیم و بر این باوریم که موفقیت صددرصدی در گرو آزمون و خطاهای بسیار است.» تلاش برای راه‌اندازی بازارچه‌های محلی و عرضه محصولات تولیدی زنان سرپرست خانوار از دیگر اولویت‌های حوزه زنان در منطقه ۱۱ است. خزایی با اشاره به بازارچای که به همین مناسبت در ایام دهه فجر در منطقه ایجاد شد می‌گوید: «با مشارکت ۳۰ بانوی خودسرپرست و بدسرپرست منطقه ۱۱ در این ایام شاهد فعالیت ۳۰ غرفه عرضه محصولات تولیدی زنان در بوستان دام‌پرشی بودیم. بازارچای که با رعایت پروتکل‌های بهداشتی کرونا به مدت ۱۰ روز برگزار شد و خوشبختانه با استقبال خوبی هم روبه‌رو شد و امیدواریم شاهد برگزاری این بازارچه در روزهای پایانی سال هم باشیم.» راه‌اندازی مرکز مهارت کارآفرینی کوثر منطقه ۱۱ در محله آگاهی خبر خوبی است که خزایی به بانوان منطقه می‌دهد و می‌گوید: «خوشبختانه این مرکز در محله آگاهی، به‌عنوان یکی از محله‌های پر تقاضای منطقه، فعالیت خود را آغاز کرده و تعدادی از بانوان هم کار خود را در این مجموعه آغاز کرده‌اند، هر چند تلاش می‌کنیم کارگاه‌های کارآفرینی محلی را فراموش نکنیم و به محض بهبود شرایط کرونایی، برنامه‌های جامع و مدون برای این بخش داریم.»



این روزها به واسطه تعطیلی کسب و کارهایی که در آنها مشغول بودند و نیز خانه‌نشینی، در معرض بیماری‌های روحی و جسمی فراوانی قرار دارند. این زنگ خطر جدی برای سلامت جامعه است



طول روز می‌گذارد درآمد داشته باشیم.» تا قبل از شیوع کروناسراهای محله و غرفه‌های چکی که برای فروش محصولات در اختیار زنان سرپرست خانوار قرار می‌گرفت، امید بزرگی برای این قشر بود، اما با نیمه‌تعطیل شدن فعالیت‌سراها کورسوی دید زنان خودسرپرست و بدسرپرست هم خاموش شد. پروانه یکی از این زنان است: «۴ سال می‌شد که درست کردن ترشی، مربا و سبزی پاک‌شده آماده و فروش آنها در سرای محله کسب و کاری برای خودم به انداخته بودم. تازه مشتریان خود را شناخته بودم و خوشحال بودم که می‌توانم هزینه‌های زندگی را تأمین کنم، اما از یک سال گذشته تاکنون بازار خوابیده است. سی جرث خرید این محصولات را از ما ندارد. سراهای محله نیمه‌تعطیل‌اند و غرفه‌ها جمع شده‌اند.»

«بواسمان به زنان سرپرست خانوار محله‌ها هست،» «حواسمان به زنان سرپرست خانوار محله‌ها هست، چند قبول داریم که کمک‌های خیران نمی‌تواند همه مشکلات آنها را حل کند!» این حرف تعدادی از شورایاران منطقه ۱۱ است. رئیس کارگروه اجتماعی منطقه ۱۱ می‌گوید: «با نیمه‌تعطیل شدن فعالیت‌سراها محله منطقه ۱۱ تلاش کردیم تا امکان فروش محصولات تولیدی زنان سرپرست خانوار را در منطقه فراهم کنیم. خوشبختانه پیرو پیگیری‌های صورت گرفته مقرر شده است یک شرکت دانش‌بنیان در منطقه مستقر شود و قرار دادی زمینه فعالیت زنان سرپرست خانوار منطقه آن فراهم شود.»

«محمدتقی شمس‌آبادی» همچنین خبر ایجاد نخستین شهربانوی منطقه ۱۱ را در محله سلامت

محله در سراسر منطقه باید با جلب نظر این گروه از افراد جامعه برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و حتی مهارت‌آموزی تدارک ببینند تا از حجم استرس‌های وارده به مادران تنها بکاهند.»



علی اصغر فراهانی
دبیر شورایاری محله
راه‌آهن

باز هم کرونا

«علی اصغر فراهانی» دبیر شورایاری محله راه‌آهن، که تا

قبل از شیوع کرونا زمینه اجرای برنامه‌های گسترده‌ای را برای زنان خودسرپرست و بدسرپرست در محله راه‌آهن فراهم کرده بود، این روزها نگران حال این قشر از محله خود است و می‌گوید: «برگزاری کلاس‌های آموزشی، بازارچه‌های محلی و همچنین دوره‌های بانوان محله درس‌ها باعث شده بود تا شادابی و سرزندگی مهمان خانه‌های اهالی شود، اما این روزها در سایه کرونا و نیمه‌تعطیل شدن برنامه‌های سرزندگی این قشر به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته است، هر چند خیران محلی می‌کوشند با حمایت‌های خود گوشه‌ای از این مشکلات را حل کنند.»



محمدتقی شمس‌آبادی
رئیس کارگروه
اجتماعی منطقه ۱۱

می‌دهد و می‌افزاید: «منطقه ما تاکنون از داشتن مجموعه ویژه بانوان محروم بود. با پیگیری‌های صورت گرفته، شهربانوی منطقه به‌زودی در محله سلامت راه‌اندازی می‌شود و امیدواریم در این مجموعه شاهد رونق فعالیت‌های ویژه زنان، به‌خصوص زنان سرپرست خانوار، باشیم.»

او همچنین با اشاره به راه‌اندازی مرکز مهارت‌آموزی کوثر در محله آگاهی می‌گوید: «مرکز مهارت‌آموزی کوثر در منطقه ۱۱ سال‌های متمادی تعطیل بود. این مرکز در چند ماه اخیر با مشارکت یکی از بانوان منطقه دوباره راه‌اندازی شده و بستر اشتغال زنان سرپرست خانوار را فراهم کرده، هر چند قبول داریم تعداد زنان شاغل در این مرکز با تعداد زنان سرپرست خانوار منطقه فاصله بسیار دارد و این مسئله ضرورت چاره‌اندیشی‌های دیگر در این حوزه را دوچندان می‌کند.»

شمس‌آبادی با تأکید بر ضرورت توجه به وضعیت روحی و روانی زنان سرپرست خانوار می‌گوید: «سراهای



نامدار پهلوان
مدرس کلاس
داستان‌نویسی

سرای محله ساعی برنامه‌های ویژه‌ای برای نابینایان و کم‌بینایان دارد

بازیگری با چشمان بسته

معصومه حق‌جو

سرای محله ساعی با

همکاری مرکز سلامت معاونت

اجتماعی - فرهنگی شهرداری

منطقه ۶ از ابتدای ماه گذشته

کلاس داستان‌نویسی و

بازیگری با تدریس پدر و پسر

فعال محله برای نابینایان و

کم‌بینایان برگزار کرده است.

«نامدار پهلوان» و پسرش امیر

که کارگردان و مدرس کلاس

بازیگری‌اند، این روزها که

خانه‌نشینی اجباری همچنان

ادامه‌دار است، سعی می‌کنند

در این کلاس‌ها بستر مناسبی

برای شکوفایی استعدادهای

روشن‌دلان و کم‌بینایان فراهم

کنند.



با هزینه کمتر یا به رایگان در اختیار ما قرار می‌دادند، مسلماً شرایط بهتری برای حضور ما در جامعه فراهم می‌شد.

«مصطفی اسکندرزاده» جوان با ذوق و کم‌بینای کلاس است که قبلاً هم در کلاس‌هایی مانند تئاتر، زبان، مهارت‌های زندگی و... شرکت کرده و معتقد است شهرداری می‌تواند با بهزیستی مکاتبه کند تا کم‌بینایان و نابینایان در کلاس‌هایی که در فرهنگسراها و سراهای محله برگزار می‌شود مانند بقیه افراد عادی شرکت کنند. او هم خواستار مناسب‌سازی سراهای محله برای معلولان است و این کار را ضروری می‌داند.

محدودیتی برای بازیگری وجود ندارد

«امیر پهلوان» دانش‌آموخته رشته بازیگری و مدرس کلاس است که بازیگری را برای این قشر جزو محدودیت‌ها نمی‌داند: «مشکل نابینایان یا کم‌بینایان تأثیری در بازی آنها نمی‌گذارد. تنها محدودیت در زمینه میزاسن و حرکت بازیگر است که با مشخص کردن نقاط برای آنها، این مسأله حل‌شدنی است. بازیگران بینایی هم داریم که نمی‌توانند به‌صورت نقطه‌ای در یک مسیر حرکت کنند، ولی هنرجویان من بسیار در این زمینه توانمندند. آنها درک مطلب بهتری در مقایسه با بینایان دارند. اگر فضا برای آنها تعریف شود، به علت ذهن قوی‌ای که دارند، بر مشکلات کار فائق می‌آیند و خروجی بهتری دارند نسبت به هنرجویان بازیگری که بینا هستند.»

او تدریس به هنرجویان این کلاس را با هنرجویان بینا متفاوت نمی‌داند: «برای هنرجویان این کلاس فقط از توصیف‌های بیشتری در مقایسه با افراد بینا استفاده می‌کنم. در واقع معلولیت برای هنرجویان باعث ایجاد محدودیت نبوده است.»

پهلوان معتقد است شهرداری باید از افراد کم‌بینا و نابینا حمایت فرهنگی کند: «بودجه‌ها و تخفیف‌هایی برای برای شرکت آنها در کلاس‌های سراهای محله یا فرهنگسراها در نظر گرفته شود یا هزینه سالنی که برای اجرا در اختیارشان گذاشته می‌شود کمتر باشد.»

سال قبل شهرداری منطقه ۴ این کلاس‌ها را برگزار می‌کرد. بعد از مدتی تعمیرات ساختمان مؤسسه باعث تعطیلی کلاس‌ها شد، البته آموزش به‌صورت آنلاین ادامه داشت و مقرر شد مکان دیگری برای برگزاری کلاس در نظر گرفته شود. خوشبختانه طی مکاتباتی، کلاس در سرای محله ساعی دوباره تشکیل شد.

امیری به دلیل علاقه به نویسندگی و شعر و شاعری قبل از برگزاری این کلاس‌ها هم داستان و شعر می‌نوشته است: «برگزاری این کلاس‌ها اقدام بسیار خوبی بود. از آنجا که با قواعد این کار آشنا نبودم ورود به این کلاس‌ها باعث شد مشکلاتم در نوشتن رفع شود. در حال حاضر یک رمان بلند که کامل شده و یک رمان ناتمام هم دارم. تعدادی داستان کوتاه و شعرهایی هم در قالب‌های مختلف مانند مثنوی و غزل سروده‌ام.»

او معتقد است برگزاری چنین کلاس‌هایی برای روشن‌دلان و کم‌بینایان باعث برقراری عدالت آموزشی در استفاده از امکانات سراهای محله می‌شود. «این کلاس‌ها باعث شکوفایی استعدادهای زیادی می‌شوند. از بین همین استعدادها می‌توان برای برخی شغل‌ها و مکان‌هایی که ظرفیت لازم وجود دارد، بهره گرفت.»

«تهران یک کلانشهر است و معلولان برای تردد مجبورند از سرویس‌های اینترنتی یا سامانه حمل‌ونقل جانبازان و معلولان استفاده کنند». امیری با این توضیح ادامه می‌دهد: «با اینکه به این کلاس خیلی علاقه دارم اما برخی جلسه‌ها را از دست می‌دهم. چون تردد برای ما سخت است و امکانات کافی فراهم نیست. متأسفانه سامانه حمل‌ونقل جانبازان و معلولان، سرویس‌های کمی در اختیار افراد کم‌بینا و نابینا قرار می‌دهد. کاش شهرداری کلاس‌ها را در همه مناطق برگزار کند، چون با توجه به یکسری محدودیت‌هایی که برای تردد ما وجود دارد، گاهی دوری راه مانع حضورمان می‌شود. باید هزینه سنگینی را متحمل بشویم یا از رفتن صرف‌نظر کنیم یا برای استفاده از این سامانه‌ها از ۲ روز قبل سرویس رزرو کنیم. این در حالی است که شاید بیشتر از یکی، ۲ بار نتوانیم این سرویس را دریافت کنیم. اگر شهرداری یا هر ارگان دیگری وسایل حمل‌ونقل

«نامدار پهلوان» مدرس کلاس داستان‌نویسی که دستی در شعر و شاعری دارد، بازیگشته است و لیسانس زبان و ادبیات فارسی دارد. او معتقد است این قشر از جامعه توانایی‌ها و استعدادهای زیادی دارند که اغلب فرصتی برای ظهور نداشته‌اند: «کار من در این ۶ سال در کنار روشن‌دلان فقط با انگیزه و علاقه شخصی بوده است. چون باور دارم این قشر توانایی‌های زیادی دارند. آنها به‌رغم محدودیت‌شان هوش فراوان و پشتکار خوبی دارند، حتی گاهی بسیار بیشتر از دیگر افراد جامعه.»

به گفته پهلوان، این کلاس‌ها ۶ سال قبل در مؤسسه «عصای سفید» با ۵ نفر برگزار می‌شد: «در حال حاضر ۱۷ نفر سرکلاس حضور دارند و تاکنون ۲ جلد کتاب داستان از آنها منتشر شده و جلد سوم به علت کمبود بودجه هنوز به مرحله انتشار نرسیده است.»

مدرس کلاس داستان‌نویسی ضرورت مناسب‌سازی سراهای محله را برای تردد نابینایان ضروری می‌داند: «کاش شهرداری همه معابر و حتی فرهنگسراها را برای تردد معلولان مناسب‌سازی می‌کرد یا حداقل سامانه حمل‌ونقل اختصاصی برای این افراد در نظر می‌گرفت تا شاهد حضور پررنگ‌ترشان در جامعه و فعالیت‌های فرهنگی باشیم.»

تعداد سرویس‌های سامانه حمل‌ونقل معلولان کافی نیست

یکی از افرادی که پای ثابت کلاس‌های داستان‌نویسی سرای محله است، «ندا امیری» است. او با اینکه مدرک کارشناسی رشته حقوق دارد، با نوازندگی پیانو هم آشناست. این بانوی توانمند ۳ سال است که در کلاس داستان‌نویسی آقای پهلوان شرکت دارد: «۳»



برای اینکه هنرمندان وارد این عرصه شوند، در درجه اول نیاز به حمایت دارند. منظوری از حمایت هم حمایت مالی است و هم اینکه فضای کار در اختیارشان قرار داده شود

نقاش خیابان گرگان می خواهد آرامش را به روی دیوارهای شهر بیاورد

حال تهران را با نقاشی عوض کنیم

شقایق عرفی نژاد

تهران می تواند از آنچه هست، بسیار زیباتر باشد. شهر خاکستری بدچهره می تواند و باید رنگی و دلپذیر شود و این کار هنرمندان است که رنگ بپاشند بر دیوارها تا بنشینند بر نگاه اهالی شهر شاید که دلشادشان کند. رنگی کردن تهران مدتی است که از برنامه های اصلی شهرداری است. در این کار هم از نقاشان مختلف کمک گرفته است. «زهره پنده» یکی از آنهاست که چند سال است با شهرداری همکاری می کند. او فوق لیسانس نقاشی و ۲۰ سال تجربه نقاشی و تدریس در هنرستان و دانشگاه دارد. حدود ۸ سال در دانشگاه و هنرستان تدریس کرده و قبل از آن هم در آموزشگاه های مختلف نقاشی درس داده است. با او که ساکن محله گرگان است درباره نقاشی دیواری که در این محله در پیش دارد، صحبت کردیم.

این معنی که سرتاسر مغازه است و فضایی برای نقاشی وجود ندارد. دیوارها هم جنس های مختلف دارند. مثلاً روی یکی نمی توان رنگ نشانید، یکی دیگر بافت زمختی دارد و به همین دلیل نمی شود کار چندان کرد و کارمان منتفی شد. بیشتر دیوارها مربوط به مغازه ها است و دیوار خالی به چشم نمی خورد. اما تجربه خوبی از نقاشی در پارک ارتش در این خیابان دارم. نقاشی ای که ما روی یکی از دیوارهای این پارک کار کردیم، بازخورد بسیار خوبی داشت و خیلی از مردمی که در پارک بودند از آن استقبال کردند. چهره پارک هم خیلی تغییر کرد و زیبایی اش چند برابر شد. حتی بچه هایی که در پارک بودند، جلو آمدند و خواستند در کار نقاشی سهیم شوند و ما هم مقداری رنگ و چند قلم مو به آنها دادیم که مشارکت کنند.

پس معتقدید نمی شود در محله خودتان این کار را انجام بدهید.

چرا، می شود انجام داد، ولی با سختی هایی همراه است. احتمال دارد بیشتر روی این محله متمرکز شویم. شهرداری منطقه هم قصد دارد بیشتر در محله هایی که بافت فرسوده دارند و یا ظاهر زیبایی ندارند، نقاشی دیواری انجام شود تا محله حال و هوای بهتری پیدا کند. اگر این کار شروع شود، در محله نظام آباد و گرگان هم می شود. حتی با مشکلاتی که گفتیم، می توان اثری را اجرا کرد و این محله ها را هم از این شکل خاکستری بیرون آورد.

فکر می کنید هنرمندان حوزه تجسمی چطور می توانند نقش بیشتری در زیباسازی محیط داشته باشند؟

برای اینکه هنرمندان وارد این عرصه شوند، در درجه اول نیاز به حمایت دارند. منظوری از حمایت هم حمایت مالی است و هم اینکه فضای کار در اختیارشان قرار داده شود. اگر این اتفاق بیفتد، خیلی از هنرمندان با این کار همراه می شوند. چون می توانند در عین اینکه دغدغه مالی ندارند، به زیبایی شهر هم کمک کنند و باعث شوند حس و حال خوبی در شهر به وجود بیاید. من به دلیل اینکه از طرف شهرداری برای انجام فعالیت های زیباسازی حمایت مالی می شوم می توانم به این کار ادامه دهم. بسیاری از هنرمندان دیگر نیز با همین حمایت، می توانند در این زمینه فعال باشند و کار کنند.

علاوه بر نقاشی، اینستالیشن و کارهای محیطی هم داشته ایم. برای مثال، در پارک اندیشه یک کار محیطی با عنوان مسیر کهکشان انجام دادیم و همین طور روی دیواره یکی از پل های بزرگراه صیاد هم دوچرخه کار کردیم. یعنی بر اساس ۲۲ منطقه تهران ۲۲ دوچرخه را با فلز روی دیوار کار کردیم. یک دوچرخه هم روبه روی سرای محله نظام آباد اجرا کردیم که آن هم با استفاده از فلز بوده است.

در محله خودتان، گرگان، چقدر در زمینه زیباسازی کار شده است؟

من مدت زیادی نیست که در این خیابان زندگی می کنم، بنابراین آن را درست نمی شناسم، ولی در همین مدت متوجه شده ام چندان کاری در زمینه زیباسازی در آن انجام نشده است. چون فضای خالی که برای نقاشی مناسب باشد، خیلی کم است. حتی مدتی پیش خیابان اجاره دار را همراه با شهردار منطقه بررسی کردیم و قرار شد کارهای زیباسازی در آن انجام شود. اما این مشکل در خیابان اجاره دار هم وجود دارد. به

در نقاشی دیواری چه چیزی برایتان مهم است؟ به نظرم بیش از هر چیز باید با محیط منطبق باشند. بیشتر نقاشی هایی که انجام داده ایم، در تناسب و با نظر به فضای محیط کشیده شده است. یعنی اگر در پارک کار کرده ایم، رنگ و طرح طوری انتخاب شده که با فضای پارک هماهنگی داشته باشد. یا اگر دیواری را در مدرسه ای نقاشی کرده ایم، این کار را با توجه به حال و هوا و سن و سال بچه ها بوده است. در محله ها هم سعی مان بر این است که گونه های مختلف نقاشی را کار کنیم؛ یعنی هم نقاشی رئال و کلاسیک داشتیم و هم نقاشی مدرن و انتزاعی. حتی در بعضی جاها نقاشی سه بعدی هم اجرا کرده ایم.



اصولاً چه هدف هایی از اجرای نقاشی های دیواری وجود دارد؟ آیا باید شهر را در این نقاشی ها دید؟

هدف از نقاشی دیواری آرامش بخشیدن به شهر با استفاده از رنگ و تمیز کردن شهر است. هدف آوردن شهر روی دیوارها نیست. تهران شلوغ است و مردم می خواهند در این شلوغی کمی آرامش داشته باشند. بنابراین، بیشتر رنگ ها و فرم هایی را در کار می آوریم که القاکننده آرامش و حس خوب به بیننده باشد و حال آنها را خوب کند، نه اینکه دوباره شلوغی های شهر را نمایش دهیم.

در تهران چند نقاشی دیواری کار شماست؟ نقاشی های دیواری زیادی اجرا کرده ام که تعداد دقیقشان را نمی دانم، اما در مدرسه ها و محله ها و منطقه های مختلف مثل ۲ و ۶ و ۷ کار کرده ام. می توانم بگویم بیشترین فعالیت را در منطقه ۷ انجام داده ام. محله های مختلف این منطقه مثل خیابان اجاره دار، شریعتی و کوچه های مختلف خیابان بهار و همین طور در خیابان نظام آباد به صورت گروهی نقاشی اجرا کرده ایم. به نظرتان نقاشی دیواری های امروز با سال های گذشته چه تفاوت هایی دارند؟

در دوره های قبل، ۲۰ یا ۳۰ سال پیش، بیشتر نقاشی ها رئال بودند و شامل گل و منظره، ولی در دوره اخیر، یعنی شاید در ۱۵ سال گذشته، نقاشی ها مدرن شده اند و تصویرسازی هستند. این نقاشی ها یا مفهومی را بیان می کنند یا اینکه از نظر رنگ بندی روی بیننده تأثیر می گذارند. با توجه به شعار شهرداری، یعنی «تهران؛ شهری برای همه»، و اینکه شهرداری استفاده از رنگ را در تهران توصیه کرده، ما هم سعی کرده ایم بیشتر از رنگ های شاد استفاده کنیم. در دوره های گذشته بیشتر از رنگ های خاکستری استفاده می شد، ولی الان بیشتر هنرمندان از رنگ های روشن استفاده می کنند. ما هم همین کار را می کنیم. این کار باعث می شود شهروندان حس بهتری در رفت و آمدهایشان در شهر داشته باشند. این رنگ ها شاید کمی حال مردم را بهتر کند.





در سرای محله امجدیه آموزش‌ها با هدف کار آفرینی ارائه می‌شود

کارآموزی به شرط اشتغال

شقایق عرفی‌نژاد

«محمد حیدری شهابی» متولد ۶۴ است و فوق دیپلم مهندسی آی.تی از دانشگاه آزاد جویبار دارد. او حالا ۱۶ سال است که در زمینه تعمیرات موبایل، نرم‌افزار، سخت‌افزار و ترمیم بوت و بازیابی اطلاعات اندروید فعالیت می‌کند و برای نخستین بار در ایران پروسه‌های برنامه‌نویسی را طراحی کرده تا اطلاعات سیستم‌های اندروید به‌صورت حرفه‌ای و واقعی بازیابی شود. شهابی در زمینه آیفون هم تسلط دارد. اما آنچه باعث شد با او گفت‌وگو کنیم مهارتش در این کار نبود. او تخصصش را به دیگران هم آموزش می‌دهد و برای آنها شغل ایجاد می‌کند. شهابی یک سال است از ساری به تهران آمده و در سرای امجدیه کارگاهی با اسم دکتر فون دارد و با ۵ نیروی ثابت و ۸ کارآموز فعالیت می‌کند. او تا امروز خیلی‌ها را در مقطع‌های مبتدی و تخصصی و فوق تخصصی تعلیم داده و کارش را برای تعمیرات و تولید محتوا در سرای محله امجدیه ادامه می‌دهد.

از ایده دکتر فون و این‌که کاری را که بلد هستید به دیگران هم بیاموزید و کار آفرینی کنید، بگوئید. این نخستین بار است که این کار را می‌کنید؟
من از سال ۷۶ در منزل کامپیوتر داشتم و به کار با آن بسیار علاقه‌مند بودم. همزمان درباره ویندوزهای مختلف مطالعه می‌کردم. سال ۷۹ در دانشگاه فنی و حرفه‌ای دوره فتوشاپ دیدم و آنقدر علاقه پیدا کردم که چند سال بعد، سال ۸۲ و ۸۳ در چند دوره مسابقات مهارت ملی و المپیاد گرافیک کامپیوتر رتبه و مدال گرفتم. همزمان در چند آموزشگاه هم درس می‌دادم. دوست داشتم چیزی را که دوست داشتم به دیگران هم یاد بدهم. به همین دلیل در چندین دانشگاه فنی و حرفه‌ای گرافیک رایانه را تدریس کردم. بعد هم از ساری به تهران آمدم و یک دوره بسیار مبتدی تعمیرات موبایل را گذراندم و در فروشگاه‌های مختلف موبایل کار کردم. بعد دوباره به شهر خودم برگشتم و در آنجا مغازه‌ای باز کردم و کم‌کم شروع کردم به گرفتن کارآموز. از اینکه چیزی را که بلدم به دیگران هم یاد بدهم، لذت می‌بردم. انگیزه فراوانی برای این کار داشتم و می‌خواستم از آن انرژی مثبت بگیرم. هنوز هم همین‌طور است.

رفته‌رفته شعبه دیگری از مغازه خود را در خیابان اصلی ساری باز کردم. تمام سعی و تلاشم این بود که بهترین دوره‌ها را برای کارآموزان برگزار کنم. چون خودم ذهن بسیار کاوشگری دارم، سعی می‌کنم تمام مطالب را با جزئیات برای کارآموزان تشریح کنم.

چطور به این فکر کردید که تعهد کار آفرینی بدهید؟ می‌توانستید فقط دوره‌های آموزشی داشته باشید.
بله. بسیاری از آموزشگاه‌ها همین کار را می‌کنند. آموزش می‌دهند، ولی تعهدی برای کار آفرینی و ایجاد شغل ندارند. در بعضی موارد هم دوره‌ها سطح پایین و با محتوای خیلی بی‌اساس است. گاهی هم شیوه برگزاری دوره‌ها و وسایلی که استفاده می‌کنند، بسیار قدیمی است. ما دوره‌ها را طوری برگزار می‌کنیم که کارآموز بتواند به‌سرعت بعد از آموزش وارد بازار کار شود. اینکه بتوانم شرایطی ایجاد کنم که کارآموز بتواند در یک تعمیرگاه مشغول به کار شود، نقطه عطف کار من است. رساندن یک کارآموز به نتیجه دلخواه و موفقیت را خروجی مثبت کارم می‌دانم و می‌توانم به خاطر آن به خودم بالالم. حس خوبی است که کسی را به کسب‌وکار برسانید و برایش درآمد ایجاد کنید تا بتواند زندگی‌اش را اداره کند. اصلاً بزرگ‌ترین هدف من در این کار همین ایجاد شغل است، نه اینکه فقط آموزش بدهم و پولی بابتش دریافت کنم.

سایت هم دارید. درست است؟
بله سایت دکتر فون را داریم که معرف ماست و ثبت تعمیرات گوشی همراه و تبلت در آن انجام می‌شود. سایت دومی هم در دست راهاندازی داریم که فروشگاه آنلاین است و قطعات و ابزار موبایل در آن به فروش گذاشته می‌شود. به ازای این سایت ۳ یا ۴ نفر به مجموعه ما اضافه می‌شوند و کار ثابت خواهند داشت.

در حال حاضر برای چند نفر شغل ایجاد کرده‌اید و در مجموعه با شما همکاری می‌کنند؟
به‌جز تعداد زیادی که آموزش داده‌ایم و بیرون از مجموعه در فروشگاه‌ها و اماکن دیگر مشغول

کارآموزان بیشتر اهالی همین محله هستند؟
چند نفر از امجدیه هستند، ولی بیشتر شاگردان از بیرون از تهران هستند. چند نفر را هم خود سرای محله معرفی کرده است.

به نظر تان محله امجدیه چه خصوصیتی دارد؟
خیابان بهار در امجدیه محله بسیار خوبی برای سکونت است و همه فروشگاه‌های لازم برای زندگی، مثل نانوايي و سوپرمارکت، در آن هست. مفتاح جنوبی هم راه اصلی است و ورزشگاه هم دارد. در خیابان ورزنده که‌سرا در آن واقع شده فدراسیون‌های مختلف ورزشی وجود دارند و کمتر جنبه مسکونی دارد. محله به نسبت قدیمی است و خانواده‌های این محله بیشتر مسند و قشر جوان اینجا کمتر دیده می‌شود، به همین دلیل با سرای محله و کلاس‌های آموزشی ارتباط ندارند. اما محله دنج و آرامی است. تنها مشکل این محدوده، به نظر من، جای پارک است که تا به حال برای آن فکر نشده است.

به کارند، ۵ نفر داخل مجموعه فعالند. ۳ نفر هم قرار است در فروشگاه‌های که طبقه بالا راهاندازی می‌کنیم، فعال شوند. علاوه بر آن یک فروشنده، یک انباردار، یک حسابدار و یک معاون و مشاور هم به ما اضافه می‌شوند.

کی به تهران آمدید؟
سال ۹۴ مغازه‌ها را از دست دادم و مغازه دیگری باز کردم و آموزش در رشته جدیدی به اسم پروگرام هارد و ترمیم بوت را هم در اندروید و هم در آی. او. اس شروع کردم. به آدم‌های زیادی آموزش دادم، اما به خاطر اینکه بتوانم علمم را گسترش بدهم، ابتدای امسال به تهران آمدم. ضمن اینکه خیلی‌ها از تهران تمایل داشتند که در دوره‌های من شرکت کنند.

از همان اول با سرای محله امجدیه کار کردید؟
زمانی که به تهران آمدم یک ماه با یک آموزشگاه همکاری داشتم و ۲ هفته هم با یکی - دو شرکت دیگر کار کردم، اما چون شرایط خوبی نداشتند، تصمیم گرفتم جای دیگری را برای خودم بگیرم و فعالیت را شروع کنم. مدتی بعد با سرای محله امجدیه آشنا شدم و اول در طبقه پنجم آن یک واحد ۳۵ متری برای خودم گرفتم. بعد توانستم اتاق اضافه کنم و بعد از ۶ ماه مجموعه را گسترش دادم و واحد طبقه اول را با ۶ اتاق برای آموزش و فعالیت در اختیارم گذاشتند. شرایط خوبی دارم و می‌خواهم کار را باز گسترش بدهم و فروش قطعات هم داشته باشم تا کارآموزان قطعات را به‌راحتی در دسترس داشته باشند.

اصلاً چطور با این‌سرا آشنا شدید؟
خودتان ساکن امجدیه هستید؟

نه. ساکن امجدیه نیستم، ولی حدود ۲ محله و حدود ۵ دقیقه با آن فاصله دارم. اردیبهشت ماه دنبال جایی برای برگزاری کلاس‌ها می‌گشتم. وقتی از نزدیک فضا را دیدم، متوجه شدم محیط ایمنی است و فضای فرهنگی دارد. دوست داشتم در این فضا باشم و موافقت شد و خیلی سریع شروع به آماده کردن اتاق کردم. از همان اول هم ۶ کارآموز داشتم که خودشان ۱۰ سال بود کار کرده بودند و حالا دوره‌های فوق تخصصی را می‌گذراندند. این اتفاقات باعث شد بیشتر علاقه داشته باشم با شهرداری کار کنم. احساس می‌کنم این نقطه برای من یک سکوی پرش است.

کارآموزانتان بیشتر اهالی همین محله هستند؟

چند نفر از امجدیه هستند، ولی بیشتر شاگردان از بیرون از تهران هستند. چند نفر را هم خود سرای محله معرفی کرده است.

به نظر تان محله امجدیه چه خصوصیتی دارد؟

خیابان بهار در امجدیه محله بسیار خوبی برای سکونت است و همه فروشگاه‌های لازم برای زندگی، مثل نانوايي و سوپرمارکت، در آن هست. مفتاح جنوبی هم راه اصلی است و ورزشگاه هم دارد. در خیابان ورزنده که‌سرا در آن واقع شده فدراسیون‌های مختلف ورزشی وجود دارند و کمتر جنبه مسکونی دارد. محله به نسبت قدیمی است و خانواده‌های این محله بیشتر مسند و قشر جوان اینجا کمتر دیده می‌شود، به همین دلیل با سرای محله و کلاس‌های آموزشی ارتباط ندارند. اما محله دنج و آرامی است. تنها مشکل این محدوده، به نظر من، جای پارک است که تا به حال برای آن فکر نشده است.





تلاش اعضای شوراییاری محله دیده شد

تقدیر سازمان بهداشت جهانی از سرای محله بریانک

بیماری جهانگرد «کووید-۱۹» که از راه رسید، باعث تغییر بسیاری از معادلات جهانی و حتی تعطیلی بسیاری از مراکز فرهنگی و خدماتی شد. یکی از این تعطیلی‌ها و تغییر کارکردها شامل سراهای محله شد. دبیران شوراییاری محله بریانک همت کردند و دواطلبانه برای کمک به اهالی و مبارزه با این ویروس منحوس پای کار آمدند و کاری کردند کارستان، به نحوی که تلاش‌های آنها از سوی سازمان بهداشت جهانی مورد تقدیر قرار گرفت. «فریسا نیکومنش‌راد» عضو هیئت‌رئیس شوراییاری محله بریانک، درباره اقدامات انجام‌شده از سوی اعضای شوراییاری می‌گوید: «با شیوع «کووید-۱۹» همه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی سرای محله تعطیل شد و مجموعه توان هر ۹ نفر از اعضای شوراییاری بر سلامت اهالی متمرکز شد. یکی از این اقدامات راهاندازی پایگاه سلامت شعبه اصلی اکبرآباد و شعبه شماره ۲ اکبرآباد در دل سرای محله بود تا غربالگری و شناسایی بیماران در کمترین زمان ممکن انجام شود و بیماری گسترش پیدا نکند و زنجیره انتقال قطع شود.»

نیکومنش‌راد به اجرای طرح شهید سلیمانی، توزیع ماسک و مواد ضدعفونی‌کننده رایگان و ضدعفونی معابر محله بریانک، به‌عنوان دیگر خدمات شوراییاری و مدیریت محله بریانک، اشاره می‌کند.

راد مهم‌ترین هدف اعضا را در این روزهای کرونایی که مردم نگران سلامت خود هستند، ارائه خدمات بهداشتی، مشاوره‌ای و پزشکی عنوان می‌کند و می‌گوید: «همه اعضا دواطلبانه و رایگان در حال خدمت‌رسانی به اهالی هستند و به همین دلیل، این موضوع مورد تقدیر سازمان بهداشت جهانی هم قرار گرفت.»

عضو هیئت‌رئیس شوراییاری بریانک به حضور نمایندگان سازمان بهداشت جهانی در سرای محله بریانک اشاره می‌کند و می‌گوید: «سازمان جهانی



بهداشت (World Health Organization) یا به اختصار WHO یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد است که نقش یک مرجعیت سازمان‌دهنده را برای بهداشت جامعه جهانی ایفا می‌کند. این آژانس در ۱۶ آوریل سال ۱۹۴۸ در ژنو (واقع در سوئیس) تأسیس شد و حکم سرپرستی و منابعش را از سازمان بهداشت سابق، که خود آژانسی در جامعه ملل بود گرفت. در دیداری که دکتر «علیرضایی» رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و رئیس سازمان نظام پزشکی ایران، همراه با آقایان «کریستوف هاملن» و «المنظر» نمایندگان سازمان بهداشت جهانی، از سرای محله داشتند اقدامات انجام‌شده در محله بریانک مورد تقدیر قرار گرفت و این سرای محله به واسطه فعالیت‌هایش برای مقابله با کرونا در تکه دهم پایتخت مقام نخست را کسب کرد. «سفر سلامت تکه دهم پایتخت این موفقیت را حاصل همراهی شهردار منطقه، مهندس «مجید رباطی» و «محمدحسن ابراهیمی» دبیر شوراییاری محله بریانک و اعضای شوراییاری و همراهی مردم دانست.



گفت‌وگو با «حسین ایمانی جاجرمی» جامعه شناس
درباره زیرساخت‌های اجتماعی در تهران ۱۴۰۰

شهر را خانه گفت‌وگوی شهروندان کنیم

سارا جعفرزاده

بسیاری از کارشناسان امور اجتماعی معتقدند یکی از مسائلی که همواره

در پایتخت نادیده گرفته شده، ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی در شهر است. در واقع، امروزه در جامعه

شهری بستری برای گفت‌وگوهای شهروندان و حتی ارائه پیشنهاد فراهم نیست

و برنامه‌ریزی توسعه شهری، شاید براساس نیاز شهروندان تدوین شود، اما

از شهروندان در این زمینه نظرخواهی نمی‌شود. کارشناسان می‌گویند ایجاد

زیرساخت‌های اجتماعی، برای تعامل بیشتر شهروندان، یکی از نکاتی

است که در «افق تهران ۱۴۰۰» باید در نظر گرفته شود. برای

آگاهی از شرایط و زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی تهران با

«حسین ایمانی جاجرمی» جامعه‌شناس، گفت‌وگو کرده‌ایم. او معتقد است، یکی از

اقداماتی که در شهرهای توسعه‌یافته و بزرگ انجام می‌شود،

مشخص کردن مسیر آینده است.

در شرایط کنونی چطور می‌شود شهر را به خانه گفت‌وگوی شهروندان تبدیل کرد؟ چطور می‌شود رابطه بین شهر، شهروندان و زندگی اجتماعی را سرزنده کرد؟

اگر قائل باشیم که برای زندگی اجتماعی نیازمند تعامل، همبستگی و ارتباط هستیم، شهر هم باید این قابلیت را داشته باشد و بستر و کالبدی برای قوام گرفتن این بده بستان فراهم کند. در واقع دستگاه‌های مختلف اجرایی و مدیریت شهری باید توجه داشته باشند که ارزش‌هایی مانند گفت‌وگو و معاشرت نیازمند بستر است و اگر این بستر فراهم نباشد، شهر به سمت پلاریزاسیون و قطبی شدن می‌رود. مانند تفاوت بین شمال و جنوب شهر که از گذشته بوده و همچنان هم هست؛ این اتفاق معمولاً در نظام‌های سرمایه‌داری مشهود است. می‌بینیم که شهر روح جمعی و یکسانی ندارد. می‌بینیم که روح شهر تکه پاره شده است.

تهران امروز برای ایجاد بستر گفت‌وگو چه کم و کسری‌هایی دارد؟

برای ایجاد بستر گفت‌وگو میان شهروندان باید زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی را که همان کاخ‌های مردمی هستند در شهر ایجاد کرد. در جامعه امروز، شهروندان و آدم‌های معمولی باید جا و فضا داشته باشند. در واقع ما باید برای عموم مردم کاخ درست کنیم. کاخ‌هایی که صرف‌نظر از میزان پولی که در جیب افراد وجود دارد، امکان گفت‌وگو و تعامل به آنها می‌دهد. کاخ‌هایی مانند کتابخانه، زمین ورزش و سالن گفت‌وگو. افزایش این مکان‌ها در شهر و حضور افراد معمولی در این مکان‌ها ارزش‌های بسیاری را برای افراد معمولی و عادی به

ارمغان می‌آورد. اگر خود شما شهردار بودید، چه می‌کردید؟ شخصاً اگر شهردار بودم، به جای معاونت اجتماعی و فرهنگی، معاونت زیرساخت‌های اجتماعی ایجاد می‌کردم که برای عموم شهروندان اقدام مثبتی انجام دهند مانند ساخت کتابخانه، میدانی برای گفت‌وگو یا ایجاد شرایطی برای تعامل بیشتر شهروندان. ایجاد فضاها و مکان‌هایی که شهروندان فارغ از هرگونه مقام اجتماعی بتوانند در کنار یکدیگر احساس برادری و برابری کنند می‌تواند حرکت مثبتی تلقی شود و شهر را به خانه گفت‌وگوی شهروندان تبدیل کند.

مسئول مستقیم ایجاد بسترهای اجتماعی را چه کسی، یا چه کسانی می‌دانید؟

در درجه اول کسانی که به‌عنوان نماینده مردم در شورای شهر حضور دارند و همچنین شهردار، مسئول ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی هستند. در واقع مسئولیت شهر به عهده این افراد است و لازم است که آنها در زمینه ایجاد بستر گفت‌وگو برای شهروندان بیشتر تلاش کنند. با توجه به اینکه این افراد اختیارات گسترده‌ای دارند می‌توانند اقدامات تأثیرگذاری در این زمینه انجام دهند و اگر اختیارات ندارد باید این اختیارات را کسب کنند.

پیش‌بینی شما در مورد چشم‌انداز تهران ۱۴۰۰ چیست؟

یکی از اقداماتی که در شهرهای توسعه‌یافته و بزرگ انجام می‌شود، مشخص کردن مسیر آینده است. البته این تصویر را با مردم می‌سازند و مردم از آرزوها و ایده‌هایشان در شهر می‌گویند و درخصوص موارد مختلف نظر و پیشنهاد می‌دهند. به‌عنوان مثال، درخصوص ترافیک و محیط‌زیست نظرات خود را ارائه می‌دهند و در واقع تصمیم‌گیری برای شهر همراه با مردم و با استفاده از نظرات آنها صورت می‌گیرد. در نهایت، برنامه توسعه شهر بر اساس خواسته‌های مردم تدوین می‌شود. در جامعه ما از شهروند هیچ سؤال و هیچ نظری در زمینه برنامه‌های شهری پرسیده نمی‌شود و یک شهروند هیچ ایده‌ای درباره توسعه شهر خود ندارد. اگر شهر به همین روال پیش برود، افق روشنی در تهران ۱۴۰۰ هم برای ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی پیش‌بینی نمی‌شود.





عکس: منا عادل

خاطره بازی با قدیمی ترین کاسب
خیابان آذربایجان که هنوز هم به اهالی
اقساطی لباس می فروشد

فروش مانتو با کپی شناسنامه!

بهاره خسروی

«رضا وفایی دیزجی» صاحب لباس فروشی قدیمی خیابان آذربایجان است. وفایی سال ۱۳۴۶ کسب و کار خیاطی را در خیابان خاکی آذربایجان راه اندازی کرد. بسیاری از هم محلی های ما که این روزها در گرد و غبار زندگی مویی سپید کرده اند با کت و شلوارهای دست دوز همین کاسب قدیمی نوروزهای دوران کودکی شان را سر کرده اند یا راهی خانه بخت شده اند. امروز بسیاری از همین موسپیدان در کنار نوه و فرزندان و همسر خود مشتری ثابت مغازه آقای وفایی هستند. با «رضافوفايي ديزجی» همسايه

اصالتاً آذری مان، درباره بخشی
از نوستالژی های خیابان
آذربایجان و کاسبی و
همچنین کسب رزق و روزی
حلال گفت و گو کردیم. ▶

سال ۱۳۱۶ «رضا وفایی» در روستای دیزج شهرستان شبستر متولد شد. از آنجا که در دهه های ۲۰ و ۳۰ جمعیت کمتر بود و مشاغل به گستردگی امروز نبود، او به پیشنهاد پدر حرفه خیاطی را انتخاب می کند و چند سال هم در بازار خیاطان تهران و لاله زار مشغول کار می شود و مدتی بعد راهی خیابان آذربایجان در تکه دهم پایتخت می شود و در میان معدود کاسبان این خیابان کسب و کار خیاطی اش را راه می اندازد. او در این باره می گوید: «آن دوره برای انتخاب شغل مناسب چند گزینه بیشتر نداشتیم: آرایشگری، آهنگری و کفاشی و خیاطی. پدرم توصیه کرد تا سراغ حرفه خیاطی بروم که به نسبت آسان تر از بقیه مشاغل بود. آسان از این لحاظ که در مقایسه با سایر حرفه ها ریخت و پاش زیاد نداشت. اما بازار خیاطی همیشه هم پر مشتری نبود. برای مثال، در شهر ما اغلب بناها در زمستان خیاطی می کردند. به هر صورت، چند سال در لاله زار، بازار خیاطهای تهران قدیم، کار کردم تا اینکه قانون پارک ممنوع در خیابان لاله زار اعمال شد و باعث رکورد کاسبی و کم شدن مشتری شد. بیشتر خیاطها از لاله زار به محله های دیگر کوچ کردند و من هم خیابان آذربایجان را انتخاب کردم.»

اتوبوس های خط ۳۰

همسفر با خاطرات روزهای نخست کاسبی آقای وفایی به خیابان آذربایجان در دهه ۴۰ رسیدیم. جایی که تا چشم کار می کرد زمین های بکر و بیابانی بود. در آن روزها هیچ خبری از ترافیک، بوق های ممتد رانندگان، مشکل جای پارک و کسب و کار قارچ گونه مغازه های دست دوم فروشی (تانا کورا) در خیابان آذربایجان نبود. او با یادی از آن روزها می گوید: «بیمارستان شهريار یک زمین خاکی بود. مقابل این زمین ایستگاه اتوبوس خط ۳۰ بود: مسیر خیابان آذربایجان تا پارک شهر. مغازه ها انگشت شمار بودند. اغلب برای چهارشنبه سوری مردم از همین زمین های خاکی بوته جمع می کردند. البته گاهی اوقات با شتر در همین زمین ها برای چهارشنبه آخر سال بوته می آوردند و یکبار هم در حادثه ناگواری تعدادی از این شترها در آتش سوختند. خیابان قصرالدشت، خوش و بیشتر کوچه های خیابان آذربایجان خاکی بود. تنها ساختمان بلند و قابل رؤیت محله ساختمان وزارت کار بود.»

به گفته این کاسب قدیمی خیابان قصرالدشت، بیشتر کوچه ها که یک سر آن به آزادی و یک سر آن به آذربایجان متصل می شد چندان آباد نبودند و خاکی بودند. مکان فعلی بانک صادرات، آهن فروشی و نبش کوچه آذر شهر یک مغازه فروش رادیو و تلویزیون و ضبط صوت بود. زمین بازار میوه و تره بار آذر شهر یک تکه خاکی بود.

کارگری که زیر ماشین ریش تراش ماند!

قدیم ها به جای فروشگاه ها و مغازه های رنگارنگ، اشخاص برند بودند. برای مثال، اگر خیاط یا کفاشی کارش میان مردم می گرفت و با رعایت اخلاق مشتری مداری می توانست مشتری

جلب کند، مردم از هر نقطه ای از شهر می کوبیدند، می آمدند تا به او سفارش کار دهند. آقای وفایی از شلوغی های بازار کارش در شب عید تعریف می کند: «مردم بیشتر عادت به دوخت لباس باسلیقه خودشان داشتند تا اینکه لباسی را آماده بخرند. من همه جور لباس مردانه، زنانه و بچگانه می دوختم. به همین دلیل شب های عید اغلب سرم شلوغ بود. برای اینکه کار به موقع تحویل مشتری دهم از ۲ ماه مانده به عید هیچ سفارشی را قبول نمی کردم. دوست نداشتم پیش مشتری ها بدقول شوم. البته گاهی اوقات هم پیش می آمد که کار به موقع دست مشتری ها نمی رسید. خاطرم است یک مشتری داشتم که از حوالی میدان امام حسین (ع) برای تحویل کارش آمده بود. کل مسیر را در ترافیک مانده بود و حالا که رسیده بود، کارش حاضر نشده بود. برای آرام کردن مشتری گفتم: شرمندم! کارگرم زیر ماشین مانده است. بی هیچ اعتراضی رفت. تا اینکه برای تحویل کارش دوباره آمد و این بار حال کارگرم را جویا شد. گفتم که بله، بنده خدا زیر ماشین ریش تراش مانده بود. اگر آن روز واقعیت را می گفتم که کار آماده نیست، شما ناراحت می شدید. برای آرام کردن شما باید حرفی می زدم که ناراحت از مغازه خارج نشوید. خلاصه مشتری حسابی خندید و همه چیز ختم به خیر شد.»

تعاونی و فروش تولیدات ایرانی

وفایی تقریباً تا سال ۱۳۵۸ در خیابان آذربایجان خیاطی می کند تا اینکه اوضاع کسب و کار کمی متغیر می شود و یکی از دوستانش ایده تغییر صنف را به او می دهد. وفایی تعریف می کند: «بازار کساد شده بود. کارگر به سختی پیدا می شد. دست تنها شده بودم. سال آخری که مغازه ام خیاطی بود تا چند روز بعد از سال تحویل هم برای سفارش مشتری ها در مغازه ماندم و خانه نرفتم. یکی از دوستانم پیشنهاد راه اندازی تعاونی و فروش محصولات ایرانی داد. تازه انقلاب شده بود و مانتو تولید می شد. از این پیشنهاد استقبال کردم. مغازه هم موقعیتی مناسب داشت و با اتحادیه هماهنگی های لازم را انجام دادم. به نظرم فروش محصولات ایرانی ایده خوبی بود. این کار باعث توسعه تولید داخلی هم می شد و از طرفی در دروس های بدقولی به مشتری ها را هم نداشت. مغازه را تبدیل به تعاونی فروش محصولات ایرانی کردم.»

آقای وفایی در ادامه توضیح می دهد: «از اتحادیه مانتو و شلوار می گرفتیم و با فتوکپی شناسنامه به مردم می فروختیم و دست آخر باید فتوکپی ها و میزبان فروش اجناس را به اتحادیه گزارش می دادیم. در واقع اجناس را به صورت سهمیه بندی به مردم می فروختیم. البته چند سال بعد، کار تولید به این نحو منتفی شد، اما من همچنان جنس ایرانی از بازار می خرم و تحویل مشتری می دهم.»

فروش اقساطی و مشتری بدون چک

یکی از مهم ترین ویژگی کسب و کار سنتی در بازار تهران معامله به اعتبار حرف بود؛ شیوه ای که هنوز هم آقای وفایی به آن پایبند است و در این باره می گوید: «هنوز هم وقتی از بازار خرید می کنم میان کاسبان اعتبار دارم. اغلب بدون چک و سفته از بازار خرید می کنم. می دانند وقتی با کسی قول و قرار می بگذارم، حتماً پای حرفم هستم. شده گاهی اوقات به دلیل کساد بازار چند روز پرداخت وجه اجناس دیر شده، اما از این ماجرا سوءاستفاده نکرده ام.»

فروش جنس قسطی به مشتریان از دیگر ویژگی های کار این کاسب قدیمی است. او در این باره می گوید: «باید همیشه هوای مشتری ها را داشت. به ویژه در این روزهایی که چرخ زندگی بیشتر مردم چندان راحت نمی چرخد. به همین دلیل، برای رعایت حال مشتری ها که بیشتر از همسایه های خودمان هستند، جنس شرایطی و قسطی هم می فروشم تا آنها شرمند عیال و خانواده نباشند و بدانند همیشه باید هوای همدیگر را داشته باشیم.»



مرمت و بازسازی

رضا موسوی درباره تغییرات و مرمت‌هایی که برای بازگشایی زندان با کاربری موزه انجام شده توضیح می‌دهد: «در بازسازی، بخش‌های جدیدی به ساختمان اضافه شده است. در این بخش‌ها از مصالح کاملاً متفاوت استفاده شده است، یعنی شیشه و فلز که کاملاً مشخص و جدید است و جزء بنا نبوده است. اگر بخوایم حسی صحبت کنم، زیاد با این کار موافق نیستیم. ولی اگر از این جنبه نگاه کنیم که آیا آسیبی به بنا زده است یا خیر، به نظر من این اتفاق نیفتاده است. به هر حال فضا باید کاربردی باشد. یعنی در عین اینکه کاربری قبلی باید نمایان می‌شده، کاربری جدید هم پیدا کرده است.» رضا موسوی می‌گوید بخشی از بناهای ساختمان زندان هم خراب شده است: «بخشی از بناها که ارزش معماری نداشتند، در این تغییر کاربری خراب شدند. از جمله فضایی که به آن زورخانه می‌گفتند و آهنی بود خراب شد. جایی شبیه مسجد هم بود که باز هم آهنی بود و ساختمان خاصی نبود و در بازسازی خراب شد. این فضاها بعد از ساخت زندان و فکر می‌کنم بعد از انقلاب به زندان اضافه شده بودند.» او از بخشی از زندان که تلفن در آن بود و زندانیان می‌توانستند با خانواده‌هایشان صحبت کنند هم می‌گوید و فضای آن را بی‌نظیر و تأثیرگذار می‌داند.

داستان عجیب «مارکوف» و ساختمان‌های ماندگارش

نخستین زندانی قصر سازنده‌اش بود

شقایق عرفی‌نژاد

◀ زندان قصر، قصر قجر بوده است. آن زمان که تهران بسیار کوچک‌تر از حالا بوده، داستان این محوطه، داستان شاه قاجار بوده که هر از گاهی برای استراحت به شمال پایتخت می‌آمده است. با آمدن رضاشاه محوطه تغییر کرد و داستان بنا هم داستان زندان و اسارت شد. در آن زمان، تنها زندان تهران زندان نظامیه در میدان توپخانه بود که دیگر برای زندانیان کافی نبود. به همین دلیل هم رئیس نظامیه تقاضای معرفی محلی را برای ساخت زندان می‌کند که قصر قاجار در سواره پلیس امروز در اختیارش قرار می‌گیرد.

قصر در سال ۱۱۶۸ ساخته شده بوده و در زمان درخواست معرفی زمین برای ساخت زندان به ساختمانی فرسوده و نیمه‌فروریخته تبدیل شده بود. با تخریب آن ساختمان‌ها، زندان قصر در سال ۱۳۰۸ ساخته می‌شود و خود رضاشاه هم آن را افتتاح می‌کند. آن‌طور که گفته می‌شود زندان ۱۹۲ اتاق و گنجایش ۸۰۰ زندانی را داشته است. این زندان تا دهه ۴۰ که زندان اوین ساخته می‌شود توسعه زیادی پیدا می‌کند و بعد از انقلاب هم زندانیان غیرسیاسی در آن

نگهداری می‌شدند. زندان تا سال ۸۳ کارکرد خودش را داشته است، اما بعد از آن تعطیل می‌شود. بعد از مدتی بخش‌هایی از زندان توسط شهرداری تخریب می‌شود که با پیگیری بعضی زندانیان سیاسی قبل از انقلاب در فهرست آثار ملی ثبت می‌شود و از تخریب بیشترش جلوگیری می‌شود. زندان تا سال ۹۱ به همین شکل می‌ماند، اما در این سال شهرداری آن را تبدیل به باغ‌موزه می‌کند و حالا می‌شود از آن دیدن کرد.

ارزش تاریخی و معماری

او ارزش معماری و ارزش تاریخی که بر این زندان گذشته را برابر می‌داند و معتقد است برای هر دو این موارد است که این زندان باید حفظ شود: «معماری این بنا از ۲ جهت مهم است. یکی اینکه معمارش فرد خاصی بوده است. مارکوف معماری است که کارش در ایران بسیار تأثیرگذار بوده است. زیاد هم کار کرده است. در عین حال به‌عنوان جایی که تاریخ و نوستالژی دارد، مهم است. آدم‌های معروفی هم در این زندان بوده‌اند.» او مسأله جالبی را درباره افرادی که در اینجا زندانی بوده‌اند مطرح می‌کند: «نخستین کسی که در این زندان زندانی می‌شود، سازنده‌اش است. او قبل از اینکه زندان را تحویل دهد، احتمالاً به دلایل مالی در زندانی می‌افتد که خودش ساخته است. در واقع نخستین زندانی زندان قصر سازنده‌اش است.» او از «فرخی یزدی» روزنامه‌نگار و شاعر، هم اسم می‌برد که در این زندان مدتی را سر کرده و کشته شده و حالا یکی از سالن‌های زندان به نام اوست.

مارکوف و ایران

رضا موسوی مارکوف را از معماران مهم و تأثیرگذار ایران می‌داند: «مارکوف در ایران زیاد کار کرده است. او در روسیه درس خوانده و در زمانی بین جنگ جهانی اول و دوم به ایران می‌آید شروع به کار می‌کند. در زمانی هم این اتفاق می‌افتد که ساخت‌وساز و معماری رونق دارد. بنابراین، با روی باز از او استقبال می‌کنند. او در شهرداری استخدام می‌شود و خیلی از بناهای مربوط به شهرداری را می‌سازد.» او می‌گوید مارکوف سنگ قبر همسر و فرزندش را هم که زودتر از او در یک تصادف جان می‌بازند، طراحی کرده است: «این سنگ قبر در گورستان ارامنه بسیار زیباست و سنگ قبر خود مارکوف را هم از روی همین نمونه‌ها طراحی می‌کنند.» موسوی مدرسه البرز تهران را مهم‌ترین کار مارکوف می‌داند که از بهترین کارهای اوست و همین‌طور اداره پست در خیابان خیام را که از کارهای ماندگار است. نکته جالب اینکه تقریباً تمام کارهایی که او ساخته در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند.

زندان و معمارش

وقتی صحبت از زندان می‌شود، آخرین چیزی که به ذهن می‌آید این است که ساختمان آن یک معمار هم داشته است. اما زندان قصر معمار مهمی دارد. معمارش مارکوف روسی است که ساکن تهران بوده و بناهای زیاد و مهمی مثل دبیرستان البرز، ساختمان اداره پست، مدرسه ژاندارک، عمارت شهرداری در میدان توپخانه، مسجد فخرالدوله، کلیسای مریم مقدس و زندان قصر را طراحی و اجرا کرده است. «رضا موسوی» تهران‌شناس و کارشناس مرمت بناهای تاریخی، می‌گوید: «بار اولی که زندان را دیدم اگر نمی‌دانستم زندان است، فکر می‌کردم یکی از بناهای دوره قاجار است، آنقدر که از المان‌های دوره

است، می‌گوید: «وقتی کسی جایی را طراحی می‌کند، چند موضوع را مدنظر قرار می‌دهد. در این اثر هم این اتفاق افتاده است. نخستین چیزی که به آن فکر شده، کاربری آن است و نیازهایی که یک زندان دارد، در آن دیده شده است. نکته بعدی تأثیر گرفتن از معماری دوره خودش است. نمونه‌های دیگری هستند که خود مارکوف طراحی کرده است مثل کارخانه قند ورامین. همه اینها ویژگی‌های معماری دوره خود را دارند و تحت تأثیر آن هستند. نکته سوم گره‌هایی است که کلیت معماری یک منطقه را به وجود می‌آورد، مثل همین ایرانی بودن که اصول و اسلوبی دارد، مثل قاب‌بندی‌ها و قوس‌ها.»

فضاهای مثبت و منفی معماری عاری باشد. به‌خصوص قوس‌هایی که صددرصد ایرانی هستند. هیچ‌کدام از پنجره‌ها مربع نیستند و قوس‌های تیه‌دار دارند. این مسئله بسیار به یکدست شدن فضا کمک کرده است. بقیه موارد در واقع همان شکل اصلی زندان هستند. شامل راهروهای پیچ‌درپیچ و سلول‌های کنار هم.» رضا موسوی درباره پلان دایره‌ای بخش اصلی زندان می‌گوید: «این بخش مربوط به طراحی مارکوف است و یک بخش مرکزی دارد و راهروهایی که از آن فضای مرکزی دایره مانند منشعب می‌شوند. این بخش یکی از ویژگی‌های معماری این زندان است.» او درباره اینکه آیا این طراحی دلیل خاصی داشته

قاجار در آن استفاده شده است. هرچند که بنای قصر تخریب شده و زندان ساخته شده، اما از المان‌های دوره قاجار زیاد در آن استفاده شده است.» او می‌گوید این زندان متحصربه‌فرد است: «زندان‌هایی مثل اوین یا رجایی‌شهر که بعدها ساخته شده‌اند، زندان‌های کلاسیک هستند، ولی این بنا معماری خاص دارد.» او درباره اقتباس معماری این زندان از معماری ایرانی می‌گوید: «چیزی که در معماری این زندان به چشم می‌آید، قاب‌بندی‌های آن و استفاده از قوس‌های ایرانی در پنجره‌ها و سقف‌های بعضی فضاهای عمومی است. در همه قسمت‌های قدیمی زندان این قوس‌ها را می‌بینید. هیچ‌جایی نیست که از این قاب‌بندی‌ها و



● صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
● مدیر مسئول: نیلوفر قدیری
● سردبیر: مهدی علیپور

● دبیر تحریریه: سروش جنبی
● تحریریه: فاطمه عسگری‌نیا
بهاره خسروی / فاطمه عرفی‌نژاد
معصومه حق‌جو / فرزین شیرزادی

● مدیر هنری: کامران مهرزاده
● صفحه‌آرایی: محمدرضا محمدی‌تاش / علی حسینی / میلاد رفاقتی
● حروفچینی و تصحیح: منیژه خسروآبادی / اعظم آجوربندیان / فهیمه شیرازی
● ناشر: خیابان ولی‌عصر (عج) ترسیده به پارک وی کوچه توریج پلاک ۱۴ ● کد پستی: ۱۹۶۶۵۳۳۸ ● صندوق پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● تلفن: ۲۳۰۲۳۱۰۰ ● دورنگار: ۲۳۰۲۳۴۸۸

هویت

بهاره خسروی

مش قربان گاری‌چی، امین محله

قول و قرارهایمان ساده و حرف‌هایمان سبک بود. برای اثبات گفته‌هایمان نیازی به قسم خوردن، جمع کردن کلی امضا و شاهد و مدرک از دنیای حقیقی و مجازی و نوشتن آن روی کاغذ و ثبت در جای خاصی نبود. این روزها اما با همه سختگیری‌های قانونی و بعد از تمام این برو و بیاها، دست آخر کاشف به عمل می‌آید که‌ای بابا، این سند ثبتی اشکال دارد و هرچه پنبه کرده‌ایم، رشته شده است. یکی از افراد قدیمی خوش‌قول و امین، «مش قربان»، گاری‌چی معروف خیابان حسینی، در تکه دهم پایتخت بود. به گفته قدیمی‌های محل، مش قربان معتمد همه محله بود. او یک گاری بزرگ و چند اسب داشت و در انتهای همین خیابان یک خانه بزرگ داشت که در آن گاری و اسب‌هایش را هم جا می‌داد. مش قربان عیالوار بود و ۱۲ فرزند داشت. این همسایه خوش‌قول ما با اسب و گاری‌اش فروشگاه سیار اهالی برای تأمین مایحتاج اولیه زندگی بود. او هر روز قبل از دیدن خورشید راهی بازار عمده‌فروش‌های خیابان انبار نفت می‌شد و اجناس سفارشی کاسبان را تحویل می‌گرفت. در این میان، بار هندوانه و خربزه و انگور و بادمجان آلو و ماست و مواد خوراکی هم می‌زد و برای راحت شدن کار همسایه‌ها، به‌ویژه خانم‌ها، در خیابان حسینی بساط می‌کرد و اجناسش را می‌فروخت. گاهی پیش می‌آمد در طول روز چندین بار برای دریافت سفارش کاسبان راهی بازار می‌شد و روزی ۲ تومان بابت آن دستمزد می‌گرفت. مهم‌ترین ویژگی مش قربان خوش‌قولی و خوش‌حسابی بود. همین موضوع باعث شده بود تا نزد اهالی محبوب و امین و معتمد باشد.



موزه گردی

موزه ملک؛ میزبان گردشگران

برای آشنایی بیشتر شهروندان با آثار ایرانی - اسلامی و معرفی و حفظ آنها در میان نسل جدید، مؤسسه ملی کتابخانه و موزه ملک از تورهای گردشگری دانش‌آموزی و دانشجویی میزبانی می‌کند. در این مؤسسه یکی از بی‌نظیرترین آثار و مجموعه‌های ارزشمند ایرانی - اسلامی برای بازدید عموم به نمایش در آمده است. گروه‌های دانش‌آموزی و دانشجویی، همچنین تورهای گردشگری و تهران‌گردی می‌توانند در چارچوب تورهای هماهنگ‌شده با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی از این موزه بازدید کنند و از خدمات آن، به‌ویژه خدمات کتابخانه‌ای، برای مطالعات و تحقیقات و پژوهش‌های خود بهره‌مند و با تاریخ آشنا شوند. مدیران مدارس و مسئولان گروه‌های گردشگری می‌توانند برای بازدید از این موزه با روابط عمومی مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک به شماره ۶۶۷۵۱۲۹۱ تماس بگیرند.



هنر در خانه

ساختن شمع هفت‌سین

یکی از سنت‌های ماندگار در میان مردم ایران استفاده از شمع و انرژی تأثیرگذار آن در خانه و به‌ویژه در سفره نوروزی هفت‌سین است. شمع به‌عنوان نماد روشنایی و نور از عناصر جدانشدنی و مهم سفره هفت‌سین است. در این روزها که به بهار و نوروز نزدیک می‌شویم، اگر به فکر تهیه شمع‌های زیبا سر سفره هفت‌سین هستید یا دوست دارید هدیه‌ای دست‌ساز به عزیزانتان بدهید، «شیرین رسولی» از همسایه‌های ما در محله هاشمی، برای این بخش روش درست کردن شمع سفره هفت‌سین را آموزش می‌دهد.



شیرین رسولی
از اهالی محله هاشمی

وسایل مورد نیاز:

- قالب شمع
- پارافین
- نخ فتیله
- برسب با طرح مورد نظر



روش کار:

- (۱) قالب شمع را چرب کنید.
- (۲) پارافین را روی بخار آب ذوب کنید.
- (۳) فتیله را از داخل قالب شمع بگذرانید و با چسب نواری ثابت کنید. پارافین را آرام از کنار فتیله در قالب بریزید. این حرکت را در ۲ مرحله انجام دهید، چون احتمال سرریز شدن وجود دارد. بعد از ۲ ساعت شمع را از قالب جدا کنید.
- (۴) طرح مورد نظر را داخل آب قرار دهید و وقتی قسمت ناپلونی آن روی آب آمد آن را خشک کنید و به‌آرامی روی شمع بچسبانید.
- (۵) طرح را با سشوار یا یک قاشق گرم روی شمع فیکس کنید. شمع شما آماده است.

نویسندگی

کارگاه آنلاین نویسندگی

اگر به ادبیات و هنر نویسندگی علاقه‌مندید، اما به دلیل شیوع «کووید - ۱۹» ترجیح می‌دهید در خانه بمانید و از آموزش‌های مجازی استفاده کنید، شرکت در «کارگاه آنلاین نویسندگی» فرهنگسرای خانواده را به شما پیشنهاد می‌دهیم. این دوره‌ها برای آشنایی علاقه‌مندان به هنر نویسندگی و ارتقای سرانه مطالعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی برای شهروندان تکه ششم پایتخت برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و نام‌نویسی می‌توانند با شماره‌های ۸۸۷۱۲۸۳۹ و ۰۹۲۲۴۲۶۵۶۸۹ تماس بگیرند.

نمایش خوانی

ترس و نکبت رایش سوم



برنامه نمایش‌خوانی «ترس و نکبت رایش سوم» اثر «برتولت برشت» برای آشنایی علاقه‌مندان با آثار نویسندگان و نمایشنامه‌نویسان مطرح جهان با همکاری مرکز آفرینش‌های هنری فرهنگسرای سرو و کانون تخصصی سینما و تئاتر فانوس برگزار می‌شود. این برنامه که به کارگردانی «امیر امیری» اجرا می‌شود، شنبه ۱۶ اسفندماه در سالن تماشاخانه «مهرگان» اجرا می‌شود. دوستداران هنر نمایش برای استفاده از این برنامه می‌توانند به نشانی: خیابان انقلاب، نرسیده به خیابان حافظ، خیابان خارک، بن‌بست اول مراجعه کنند.

سرای محله

پخش غذای نذری میان کارتن‌خواب‌ها

برنامه پخت غذای نذری و توزیع آن میان افراد کارتن‌خواب و بی‌خانمان برای کمک به نیازمندان و ترویج مهربانی در روزهای سرد و کروناده از سوی اهالی و خیران محله قلمستان اجرا می‌شود. در این برنامه غذا در حسینیه بیت‌العباس (ع) طبخ می‌شود و میان کارتن‌خواب‌ها و افراد بی‌خانمان محله‌های شوش و هرنندی توزیع می‌شود. اگر علاقه‌مند به شرکت در این کار خدایسندانه و یا ادای نذور خود هستید به نشانی: خیابان قلمستان، نبش بن‌بست رضایی، حسینیه بیت‌العباس (ع) سر بنید.